

■ بررسی تعریف سند از دیدگاه‌های گوناگون

غلام رضا عزیزی

■ چکیده

هدف: هدف این مقاله، شناسایی تعریف‌های ارائه شده درباره سند، سنجش کیفی دایره کاربرد هر یک از آنها، و بررسی امکان ارائه تعریفی جامع و مانع برای سند، جدای از تعریف تخصصی و حوزه کاربرد هر واژه است. بحث درباره تعریف سند از نظر آرشیو، هدف دیگر این بررسی است.

روش/رویکرد پژوهش: روش پژوهش، کتابخانه‌ای است. در این مقاله، منابع مرتبط، شناسایی و تعریف‌های ذکر شده برای سند، گردآوری و دسته‌بندی شده و مورد بررسی انتقادی قرار گرفته‌اند. در این روش، بررسی کیفی تعریف‌ها و نیز گستره شمول آنها مد نظر است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که واژه سند در سده اخیر، علاوه بر کاربرد عام، با تغییراتی در ادبیات اداری کشورمان و رشته‌های مختلف دانش به کار رفته و این امر، به کاربردهای گوناگون واژه سند منجر شده که گاه اختلاف‌هایی را در تفهیم و تفاهم بین کاربران متفاوت پدید آورده است. هنگامی که معانی تخصصی واژه سند مورد توجه قرار می‌گیرد، این چندگانگی و تفاوت در تعریف، خود را بیشتر می‌نمایاند.

محدودیت‌های پژوهش: در تحقیقات قبلی درباره سندشناسی و سندپژوهی، تعریف سند به‌طور مستقل و همه‌جانبه مورد بحث و بررسی قرار نگرفته و حتی برخی منابع مورد استناد واقع نشده و ناشناس مانده است. مطالب مورد نیاز این پژوهش، از آثار مربوط به رشته‌های متعدد از جمله آرشیو، کتابداری، علوم اداری، تجارت، حقوق، علوم سیاسی، تاریخ و مردم‌شناسی اخذ گردیده است.

ارزش پژوهش: در مقاله حاضر، واژه سند و کاربرد آن در رشته‌های گوناگون دانش (به زبان فارسی) مورد بحث قرار گرفته و ضمن شناسایی تعریف‌های مختلف، امکان استفاده بین‌رشته‌ای این تعریف‌ها بررسی شده؛ در حالی که قبلاً با این رویکرد و با این وسعت به موضوع پرداخته نشده است. این مقاله، که با حوزه معناشناسی مرتبط است، به پژوهشگران تحقیقات مشابه، برای شناسایی گونه‌های سند و تعریف انواع مواد و منابع آرشیوی کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها

سند/مدرک/ واژه‌شناسی/ تعاریف/ فرهنگ‌ها/ واژه‌نامه‌ها

مطالعات آرشیوی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و یکم، دفتر اول، (بهار ۱۳۹۰)، ۱۵۱-۱۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۷/۵ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۱۱

بررسی تعریف سند از دیدگاه‌های گوناگون

غلام رضا عزیزی^۱

مقدمه

در بدو امر، شاید برخورد با پرسش «سند چیست؟» عجیب، خنده‌دار، و حتی بیهوده یا دارای پاسخی بدیهی بنماید؛ زیرا تقریباً این واژه کاربردی وسیع و همگانی یافته و همه افراد جامعه به‌طور روزمره با نوعی از اسناد سروکار دارند. از این رو، برداشتی از مفهوم «سند» در ذهنشان شکل گرفته است. علاوه بر کاربرد عام سند در گفتگوهای روزانه، این واژه در متون تخصصی و در ادبیات اداری کشورمان در معانی متعدد به کار رفته و می‌رود، که این امر نیز ناخواسته، در تفهیم و تفاهم تخصصی آن، ناهمسانی‌هایی را پدید می‌آورد. شاید کاربردهای مختلف عمومی و تخصصی این واژه در رشته‌های مختلف، و حتی در متن قوانین و مقررات، یکی از دلایل اصلی این امر باشد، زیرا در هریک از این موارد، نوع خاصی از سند مد نظر بوده است.

به‌هر روی، این امر سبب شده که امروزه این واژه در مفاهیم متعددی به کار رود؛ چنان‌که واژه «سند» در فرهنگ‌های فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی (عمومی و تخصصی)، به یکی از معانی واژه‌های زیر و یا در ارتباط با آن، به کار رفته است: Act (آریان‌پور، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۹۸۴)، Archives (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۶۹، ص ۳)، Document Archival (سلطانی، راستین، ۱۳۷۹، ص ۱۴۷)، Bill (نویدی، ۱۳۸۱، صص ۳۴ و ۴۴۰)، Bond (آرام، ۱۳۷۸، صص ۶۴ و ۶۷)، Certificate (آریان‌پور، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۹۸۴)، Citation (هاشمی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵۲)، Conveyance (آریان‌پور، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۰۷)، Deed (آرام، ۱۳۷۸، صص ۴۸۷ و ۶۷۱)، Document (مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزشی - مرکز مدارک علمی، ۱۳۵۹، ص ۴۳)، Evidence، Documentation (هاشمی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵۲)، Exhibit (آریان‌پور، ۱۳۸۱،

۱. مربی فرهنگ و زبان‌های باستانی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
greazizi@gmail.com



ج ۲، ص ۱۹۸۴)، Holograph (مهاجری، ۱۳۷۲، ص ۵۴۳)، Indenture, Instrument (آریان پور، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۹۸۴)، Muniment, Panchart (مهاجری، ۱۳۷۲، ص ۵۴۳)، Paper (نویدی، ۱۳۸۱، صص ۲۳۹ و ۴۴۳)، Passavani (مهاجری، ۱۳۷۲، ص ۵۴۳)، Proof، Record (آریان پور، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۹۸۴)، Script (مهاجری، ۱۳۷۲، ص ۵۴۳)، Testament (آریان پور، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۹۸۴)، Title (آریان پور کاشانی، ۱۳۸۵، ج ۶، صص ۵۲۶۶-۵۲۶۷)، Voucher (آریان پور، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۹۸۴) و Writ (آریان پور، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۵۷۴۱).^۱ حال آنکه حوزه کاربرد تخصصی هریک از این واژه‌ها، در علوم و رشته‌های مربوط، مستقل و متفاوت با واژه‌های دیگر است.

این مسئله آنجا اهمیت خود را می‌نمایاند که به کار گرفتن این واژه در ادبیات اداری و علمی ایران در معانی متعدد، می‌تواند مشکلاتی را در تفهیم و تفاهم تخصصی از این مفهوم پدید آورد. برای نمونه، این واژه در ادبیات حقوقی، کتابداری، و آرشیوی دارای معانی تا اندازه‌ای متفاوت است.

نگارنده، در مقاله حاضر، می‌کوشد ضمن بررسی انتقادی تعریف‌های ارائه شده برای سند، به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. آیا واژه «سند» در ادبیات اداری و علمی ایران در معانی متعدد، به کار رفته است؟
۲. آیا می‌توان یکی از تعریف‌های ارائه شده از سند را به عنوان تعریف عام مورد استفاده قرار داد؟

۳. آیا می‌توان واژه «سند» را در معنای تخصصی برای رشته‌های مختلف دانش به کار برد؟

پیشینه پژوهش

موضوع مورد بررسی، تاکنون، به صورت مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است، اما نویسندگانی که مفاهیمی همچون سند، مدیریت اسناد، اسناد الکترونیکی و مدیریت آن، آرشیو، و حتی روش تحقیق را موضوع اصلی نوشته‌های خود قرار داده‌اند، بخشی را به تعریف و تبیین مفهوم سند اختصاص داده و اشاره‌ای گذرا به تعاریف سند داشته‌اند.

باتوجه به منابع مورد بررسی در این پژوهش می‌توان گفت نخستین فردی که با این رویکرد به گردآوری تعریف‌های سند پرداخته جعفر بوشهری است. وی در اثر خویش، که نخستین بار در سال ۱۳۴۱ منتشر شده، سه تعریف را برای سند به موجب قانون مدنی ایران، از نظر نویسندگان مدیریت اسناد، و طبق قوانین ایالات متحده آمریکا شمالی گردآورده است (۱۳۵۲، صص ۹-۱۴).

وزیری، سه تعریف از سند را براساس قانون مدنی، تبصره قانون تأسیس سازمان اسناد و قانون امحای اسناد و اوراق آورده است (۱۳۵۰، صص ۱۵-۱۷).

علامه حائری، این مسئله را فراتر از پیشنهاد مورد بررسی قرار داده و ضمن ارائه دو

۱. به منظور رعایت اختصار، برای هر یک از واژگان، تنها به آوردن یک منبع بسنده شد.



تعریف لغوی از سند، تعریف‌های سند را از نظر قانون مدنی، حقوق اسلامی، قانون اسناد ملی ایران، قوانین مالی ایران، اصول حسابداری، و اصول بایگانی اسناد و مدارک اداری، بیان کرده و مورد نقد و بررسی قرار داده و سپس تعریفی از سند اداری ارائه کرده که ظاهراً نخستین کوشش از این دست است. تعریف‌های ذکر شده توسط او، در برخی آثار بعدی، عیناً و یا با تغییراتی اندک آورده شده است (۱۳۵۱، صص ۱۹-۲۹).

نیازمند، در اثر خویش به ارائه تعریف لغوی سند و مقایسه آن با مدرک پرداخته، بعد تعریف سند در قانون مدنی ایران، در امور اداری، و در قانون امحای اسناد و اوراق ایالات متحده آمریکا شمالی را آورده و در پایان تعریف تازه‌ای برای سند پیشنهاد کرده است (۱۳۵۳، صص ۴۳-۴۵).

امیرشاهی، پس از ارائه تعریف لغوی سند، تعریف‌های سند را از نظر اداری و بایگانی، از نظر حقوقی و قضایی، و از نظر سازمان اسناد ملی ایران آورده است. این موارد تقریباً به همان شکل در چاپ‌های بعدی کتاب وی آمده است (۱۳۶۴، صص ۳، ۵، ۶).

دهقانی، ضمن اشاره به تعریف سند و مدرک و ورق، تعریف سند در قانون مدنی ایران، در قانون ایالات متحده آمریکا، و در قانون سازمان اسناد ملی ایران را آورده و آنگاه تعریف کلی از سند ارائه داده است (۱۳۷۳، صص ۲-۳).

سازمان اسناد ملی ایران، در طرح نظام ملی اسنادی کشور، نخست تعریف سند از نظر لغوی را به نقل از لغتنامه دهخدا، فرهنگ مشیری، و فرهنگ معین بیان کرده آنگاه به تعریف سند از دیدگاه حقوق اسلامی، قانون مدنی، قوانین مالی ایران، اصول حسابداری و قانون تأسیس سازمان خود پرداخته و در پایان تعریفی از دیدگاه دانش کتابداری آورده است. شایان توجه است، تعریف سند از دیدگاه دانش کتابداری و دو معنی لغوی پیش از این مورد استناد قرار نگرفته بود (۱۳۷۵، دی، ص ۱-۲).

دالوند، تعریف سند را به نقل از لغتنامه دهخدا آورده و سه نکته در آن تشخیص داده و سپس تعریفی از سند ارائه کرده است (۱۳۷۷، صص ۱۶-۱۷).

رضا دهقانی، موارد ذکر شده برای تعریف سند در خبرنامه نظام ملی اسنادی کشور (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۵، دی، ص ۱-۲) را آورده و سپس انواع سند را به نقل از ایرج افشار (۱۳۶۰، ص ۵۸۱) ارائه کرده است ([۱۳۸۱]، ج ۱، صص ۳۳۶-۳۳۷).

علن، نخست، به دو واژه سند و مدرک اشاره کرده و آنگاه چند معنی لغوی سند را آورده و، سپس، تعریف سند را از دیدگاه‌های حقوقی، اداری و «فن بایگانی و امروزه» آورده است (۱۳۸۹، صص ۳۳-۳۵).

فدایی عراقی، در فصل نخست کتاب خویش، اشاره‌ای گذرا به تعریف سند و مدرک از نظر لغوی و اصطلاحی دارد (۱۳۸۴، صص ۳-۴).



تیموری خانی، تعریف لغوی سند را آورده، آنگاه تعریفی کلی از سند (برگرفته از: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۵، دی، صص ۱-۲) را بیان نموده و سپس دو معنی عام و خاص سند را از دیدگاه کتابداری و اطلاع‌رسانی ارائه کرده و در ادامه تعریف سند را از دید سازمان اسناد ملی ایران آورده و تعریف آخر را مورد نقد و بررسی قرار داده است (۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۰۷۴).

مؤمن، به وجود دو «دیدگاه و منظر کلی» حقوقی-اداری و تاریخی-تحقیقی در تعریف سند اشاره کرده و سه تعریف را (تعریف سند در قانون مدنی ایران در ماده ۱۲۸۴، از نظر اداری، و تعریفی از قائم مقامی) آورده است (۱۳۸۵، آبان، صص ۷۶-۷۷).

صادقیان، ضمن اشاره به تعریف‌هایی از سند - به نقل از طرح نظام ملی اسنادی کشور (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۵، دی، صص ۱-۲) و ذکر توضیحی از فدایی عراقی و ارائه دو تعریف دیگر، اولی از حقوق ایران و دومی از کیانی - سرانجام تعریفی را به عنوان تعریف سند گرد آورده و ارائه کرده است (۱۳۸۶، بهار، صص ۷۲-۷۳).

اکرمی و سوری، ضمن اشاره به تعریف لغوی سند و ارائه دو مفهوم عام و خاص سند، از دیدگاه کتابداری و اطلاع‌رسانی، به نقل از تیموری خانی (۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۰۷۴)، تعریف‌های ذکر شده برای سند در طرح نظام ملی اسنادی کشور (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۵، دی، صص ۱-۲) و جمع‌بندی آن را با تغییراتی جزئی آورده‌اند (۱۳۸۷، بهار، صص ۷۸-۷۹).

آقا صفری، ضمن بررسی معنی لغوی و دو مفهوم عام و خاص سند از دیدگاه حقوقی و فقهی، مفهوم سند را از منظر قانون مدنی را مورد نقد و بررسی قرار داده و تعریفی از سند ارائه کرده است. در ادامه شواهدی را از کاربرد سند در متون تاریخی دوران ناصری بیان کرده و از واژه‌هایی نظیر چک، قبالة، و خط - که به گفته وی، در متون قدیمی هم‌معنی با سند یا به جای آن به کار رفته - یاد کرده است (۱۳۸۸، فروردین، صص ۱۱۳-۱۲۵).

کمری، با اشاره به معنی لغوی واژه سند و تعریف آن در قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران و دو تعریف از حوزه کتابداری و آرشیو، به نقد و بررسی این تعاریف، به ویژه دو مورد اول، پرداخته است. وی در این راه بر آن بوده است تا تعریفی از «سند جنگ / دفاع مقدس» را، با نگاهی به حوزه نشانه‌شناسی ارائه دهد (۱۳۸۸، صص ۷-۱۱).

این افراد، غالباً، به دسته‌بندی تعریف‌ها پرداخته‌اند. تنها مؤمن به وجود دو «دیدگاه و منظر کلی» در تعریف‌های سند اشاره کرده و آنها را اینگونه بر شمرده است: «دیدگاه حقوقی-اداری، و دیدگاه تاریخی-تحقیقی» (۱۳۸۵، آبان، صص ۷۶-۷۷).

در بررسی اولیه، تعریف‌هایی را که در پژوهش حاضر برای سند آمده است، می‌توان در دو گروه کلی جای داد: تعریف‌های لغوی و اختصاصی.

نگارنده، اصطلاح تعریف‌های لغوی سند را برای تعریف یا معانی ارائه شده در فرهنگ‌ها و لغتنامه‌ها به کار می‌برد و تعریف‌های اختصاصی را برای تعاریف خاص و اصطلاحی سند در رشته‌های مختلف علمی و اداری. از آنجاکه تعاریف اختصاصی در فرهنگ‌ها و لغتنامه‌ها مطرح شده است، بهتر است تعریف‌های اختصاصی را به دو گروه تعریف‌های ارائه شده در متن قوانین و تعریف‌های تخصصی در رشته‌های مختلف علمی تقسیم کنیم. بنابراین، در نوشته حاضر، سه گروه تعریف مورد بررسی قرار خواهد گرفت: الف. تعریف‌های لغوی ارائه شده در فرهنگ‌ها و لغتنامه‌ها، ب. تعریف‌های ارائه شده در متن قوانین، و پ. تعریف‌های تخصصی در رشته‌های مختلف دانش.

تعریف سند در فرهنگ‌ها و لغتنامه‌ها

از آنجاکه بیشتر لغتنامه‌نویسان برای معنی هر واژه کوشیده‌اند تا تمام معانی مرتبط با آن واژه را ضبط کنند - نه تنها معنای عام آن را - این دسته از تعاریف، کم و بیش دربردارنده معانی و تعریف‌های اختصاصی سند نیز می‌باشند؛ مشخصه‌ای که به‌ویژه در لغتنامه دهخدا می‌توان آن را دید. بنابراین، تعریف‌های تخصصی واژه سند که در فرهنگ‌ها و لغتنامه‌ها به کار رفته است، در جای خود آورده خواهد شد.

سند واژه‌ای دخیل از زبان عربی است. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که در زبان عربی واژه «السَّند» به معنای زیر به کار می‌رود:

«آن قسمت از کوه که مقابل شخص قرار گیرد و از دامنه کوه بلندتر باشد، بالش، تکیه‌گاه، گونه‌ای جامه خط‌دار یمنی ... هر تعهد قانونی که بر قراردادی مشترک متکی باشد، سند، تعهدنامه» (جُرّ، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۲۱۸).

این وام‌واژه در زبان فارسی در معانی متعددی به کار رفته است. برای نمونه، برخی معانی که در لغتنامه دهخدا، گرد آورده شده است به شرح زیر می‌باشد:

«تکیه‌گاه، آنچه پشت به وی گذارند، بالش، تکیه، آنچه پشت بدو دهند، آنچه پشت بدو باز نهند از بلند، تکیه، مسند، بلندی چیزی، جای بلند در بیابان، کوه، روی کوه، نوعی از چادرها، ج. اسناد (واحد و جمع یکسان است)؛ در نزد اهل حدیث عبارت از طریق باشد و جمله کسانی باشند که روایت کنند و طریق اخبار و روایات را از آن جهت سند گویند که اعتماد علماء در صحت و ضعف حدیث به آن است، آنکه از وی حدیث بردارند؛ آنچه بدان اعتماد کنند، معتمد، مستند، حجت، قبض، نوشته، تمسک، دست آویز، خط، مکتوب که دائن به مدیون دهد و حاکی از دین خود یا امری مانند آن باشد، وامنامه که وامدار به وام‌دهنده دهد، نوشته‌ای که وام یا طلبی را معین نماید؛

هر عداوت را سبب باید سند ورنه جنسیت وفا تلقین کند. مولوی
و بدون سند چیزی به خرج خود ننویسد ... و شماره و سیاهه برداشته، ضبط نماید که
در روزی که سند می‌رسد زیاده از آنچه آورده‌اند به خرج نوشته باشند ... امثال: مستوفی سند
می‌خواهد قاضی گواه» (۱۳۷۳، ج ۸، ص ۱۲۱۵۵).

دالوند، بعد از آوردن مطالب لغتنامه دهخدا درباره سند، گفته که تعریف‌های ارائه شده
ساختاری مشترک دارد که اجزای آن عبارت است از: «حقیقتی که سند آن را مشخص
می‌سازد و سند به خاطر آن ارزش پیدا می‌کند، خواه این حقیقت یک رویداد تاریخی یا عادی،
یک سخن با ارزش یا بی‌ارزش، یک دین و بدهی، یک مطلب علمی یا غیر علمی، یا هر چیز
دیگری باشد؛ خود سند به عنوان یک رابط و یک وسیله یا ابزار [دارای ارزش است، زیرا]
به نوعی و به میزان توانی که دارد حقیقت را روشن می‌سازد و [برای] فرد یا افرادی که در پی
حقیقتی هستند و آن حقیقت برای آنان ارزش دارد [مهم است]» (۱۳۷۷، صص ۱۶-۱۷).

علامه حائری، ضمن اشاره به مطلبی که سند را نوشته‌ای برای اثبات مطلبی معرفی
می‌کند، می‌گوید که لازم نیست سند را به این عنوان در نظر گرفت: «وصف کتبی یا
غیرکتبی بودن سند کلیت ندارد، چه ممکن است سند کتبی یا غیرکتبی باشد به علاوه لازم
نیست سند مطلبی را ثابت کند، زیرا اثبات هر مطلب از جنبه قضایی و اداری نیازمند طی
مراحل و تشریفات خاص می‌باشد و از این رو به نظر می‌رسد دارا بودن قابلیت استناد
برای توجیه سند کافی است» (۱۳۵۱، ص ۱۹).

در فرهنگ نفیسی، سند، در دو معنی اصلی ثبت شده است. نخست به عنوان اسمی
فارسی و مأخوذ از زبان عربی و به معنی «مهر و امضای قاضی و حکم و فرمان پادشاهی و
چک و دستاویز و نوشته و مکتوبی که بدان اختیار شغل و ملکی را به کسی دهند». در دومین
معنی، سند اسمی عربی خوانده شده و چنین معنی شده است: «آنچه رویاروی شخص باشد
از بلندی، و کوه، و تکیه گاه مردم، و آنکه از وی حدیث بردارند. و نوعی از چادر ...» (۱۳۴۳،
ج ۳، ص ۱۹۴۴).

در فرهنگ نظام، دو معنی برای سند ذکر شده است. نخست آنکه نویسنده این فرهنگ
نوشته است که واژه سند در زبان علما، به معنای «تکیه گاه و آنچه پشت به وی گذارند و دامن
کوه و بلندی چیزی» به کار رفته است. معنی دوم سند - که به قول نویسنده فرهنگ، معنی
«عام در تکلم و نثر و نظم» می‌باشد - اینگونه معنی شده است: «نوشته‌ای است که کسی برای
مدعایی درآورد. نیز نوشته بیع و قرض و امثال آنها». نکته‌ای که وی در ادامه برای این دو
تعریف ذکر کرده بسیار جالب می‌باشد. وی نوشته است که «معنی دوم مأخوذ از اول و در
عربی و فارسی جدید است» (داعی الاسلام، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۴۱۲).

در سایر فرهنگ‌های معاصر فارسی نیز کم و بیش همین معانی برای سند ذکر شده است. لذا برای پرهیز از زیاده‌نویسی در اینجا از آوردن همه آنها خودداری می‌گردد.

تعریف‌های ارائه شده در قوانین

می‌توان گروه دوم تعریف‌های ارائه شده برای «سند» را تعریف‌های قانونی خواند. در برخی قوانین، به واژه سند اشاره و برای مشخص کردن حوزه کاربرد آن، تعریفی عملیاتی ارائه شده است که ناظر به کاربرد واژه سند در آن قانون می‌باشد. گفتنی است که تعاریف موجود را در این گروه می‌توان به دو دسته تعریف‌های به‌کاررفته در قانون و تعریف‌های متکی به موادی از قانون تقسیم کرد.

۱. تعریف‌های به‌کاررفته در قانون:

در مقاله حاضر، منظور از تعریف‌های به‌کاررفته در قانون، تعریف‌هایی می‌باشد که قانون‌گذار حوزه کاربرد سند را در آنها مشخص کرده است. مانند:

۱-۱. سند از دیدگاه قانون مدنی ایران: در ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی ایران (و ماده ۳۷۰ به بعد آیین دادرسی مدنی) سند چنین تعریف شده است: «سند عبارتست از هر نوشته‌ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد» (به نقل از جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۳۶۳).

درباره این تعریف - که به‌عنوان تعریف سند از دیدگاه حقوقی مطرح شده (علن، ۱۳۸۹، ص ۳۴؛ امیرشاهی، ۱۳۸۴، ص ۸) - چهار نکته مهم قابل اشاره است:

- نوشته بودن سند؛ نخست آنکه بنابه این تعریف هر سندی نوشته است. به عبارت دیگر، یکی از ویژگی‌های اصلی سند، نوشته بودن آن است، به هر شکل و در معنای عام نوشته؛ فارغ از محل، وسیله، و شکل نوشتن (ر.ک.: بوشهری، ۱۳۵۲، ص ۹). از این رو، محدودیت خاصی در مورد شکل نوشته وضع نشده است (مؤمن، ۱۳۸۵، آبان، ص ۷۶) و آنچه نوشته نیست، سند نیست.

آقاصفری، بر قید نوشته بودن خرده گرفته و معتقد است که اسنادی وجود دارد که مکتوب و نوشته نیست و مثال‌هایی ارائه کرده که از آن جمله است: نور خورشید، سند روز است؛ و باران، سند ابر. اما به نظر می‌رسد وی «سند» و «دلیل» را یکسان به کار برده باشد (۱۳۸۸، فروردین، ص ۱۱۴).

از طرف دیگر، برخی - از جمله حقوق‌دانان کیفری (ر.ک.: فتح آبادی، ۱۳۸۴، بهار و تابستان، ص ۱۹۱) - در تعریف نوشته با هم اتفاق نظر ندارند. پس در اینجا باید به تبیین مقصود خود از نوشته پردازیم و مشخص کنیم منظور و برداشت ما از نوشته چیست؟ این

نکته را باید در نظر داشت که زبان دارای دو صورت یا نمود ملفوظ (ارتعاشات صوتی) و مکتوب (نوشته) است (باقری، ۱۳۷۱، ص ۳۳-۳۵). بنابراین، خط، نوشته و نوشتار، فن و وسیله‌ای برای نگهداری، ثبت و انتقال اندیشه و زبان است (ذن، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷). از این رو، بین نواری صوتی که با استفاده از شیوه مکانیکی بر روی یک محمل ثبت شده و متن همان سخنرانی که با حروف الفبا و به صورت دست‌نوشته پدید آمده، اختلافی در رسانه و محمل آن وجود دارد، اما در هر دو مورد، نمود ظاهری و ملفوظ نظام ذهنی زبان تجلی یافته است. از این روست که متن رمانی «که بر روی موم صفحه موسیقی حک شده، خطابه یک وزیر که بر نوار ضبط صوت ضبط شده است، جزو اسناد و شواهد کتبی به شمار می‌آیند، هر چند فهم و درک این متون از راه چشم صورت نمی‌گیرد بلکه با گوش انجام می‌شود» (ذن، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷-۸).

- سند نبودن همه نوشته‌ها؛ در ماده ۱۲۸۵ همین قانون، شهادت نامه سند محسوب نگردیده و فقط برای آن اعتبار شهادت قائل شده است (علامه حائری، ۱۳۵۱، ص ۲۱) بنابراین، هر نوشته‌ای سند نیست.

- قابلیت استناد در دعوا یا دفاع. شرط دیگری که در این تعریف آمده، داشتن قابلیت استناد در دعوی یا دفاع برای نوشته است تا سند محسوب گردد. بنابراین، نوشته‌ای که در دعوا یا دفاع قابلیت استناد نداشته باشد، سند نیست. به عبارت دیگر، در برخی موارد، هر نوشته‌ای هم قابل استناد نیست. اما این امر چه زمانی محقق می‌شود؟ دو فرض برای این وضعیت پیش‌بینی شده است: نخست، زمانی که رابطه سند و نویسنده‌اش به دلیل وجود نداشتن قصد، قطع شده باشد (مثل نوشته‌های کودکان و دیوانگان)؛ و دوم، زمانی که نوشته به دلیل جعل، خراشیدگی، و مواردی از این دست، قابلیت استناد خود را از دست داده باشد (بوشهری، ۱۳۵۲، صص ۹-۱۰). بنابراین، از نظر حقوقی، هر نوشته‌ای که در مقام دفاع و دعوی به کار نیاید، سند محسوب نمی‌گردد و در نتیجه، از این منظر، بخش عمده‌ای از اسناد تاریخی، سند نیست (مؤمن، ۱۳۸۵، آبان، صص ۷۶-۷۷).

- هر نوشته‌ای که قابلیت استناد در خارج از دعوا یا دفاع داشته باشد هم، الزاماً سند نیست. به عبارت دیگر، این تعریف آن دسته از منابعی که نوشته نیست، ولی قابلیت استناد - به‌ویژه در پژوهش‌ها را دارد، نیز در بر نمی‌گیرد. بنابراین، براساس تعریف سند در ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی، آنچه نوشته نیست و قابلیت استناد در خارج از حیطه دفاع یا دعوا را دارد هم سند نیست؛ مانند نوار صوتی یا صوتی - تصویری صورت مذاکرات اداری.

بنابه آنچه گفته شد، به نظر نمی‌رسد بتوان تعریف سند در ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی را خارج از گستره قانونی خودش مورد استفاده عام‌تری قرار داد.

۱-۲. در تبصره ماده اول قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مصوب ۱۳۴۹/۲/۱۷ آمده است: «اسناد مذکور در این ماده شامل کلیه اوراق، مراسلات، دفاتر، پرونده‌ها، عکس‌ها، نقشه‌ها، کلیشه‌ها، نمودارها، فیلم‌ها، میکروفیلم‌ها، نوارهای ضبط صوت، و سایر اسنادی است که در دستگاه دولت تهیه شده و یا به دستگاه دولت رسیده است و بطور مداوم یا غیرمداوم در تصرف دولت بوده و از لحاظ اداری، مالی، اقتصادی، قضائی، سیاسی، فرهنگی، علمی، فنی و تاریخی به تشخیص سازمان اسناد ملی ایران، ارزش نگهداری دائمی داشته باشند».

از این تبصره، به‌عنوان تعریف سند از نظر سازمان اسناد ملی ایران یاد شده است (وزیری، ۱۳۵۰، ص ۱۶؛ سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۵، دی، صص ۱-۲) و برخی براین اساس، به تجزیه و تحلیل آن پرداخته‌اند. با بررسی تبصره یاد شده، به نظر می‌رسد که در آن تبصره، واژه سند تعریف نشده است. اما از آنجاکه به‌عنوان تعریف سند از نظر قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران (وزیری، ۱۳۵۰، ص ۱۶) و نظایر آن (علن، ۱۳۸۹، ص ۳۵) تلقی شده است، در اینجا به بررسی آن پرداخته می‌شود.

- همچنان‌که اشاره گردید، با بازخوانی تبصره یاد شده چنین به نظر می‌رسد که در آن واژه سند تعریف نشده، بلکه قانون‌گذار به بیان شمول موضوعی و مصادیق آن (به‌صورت کلی) پرداخته و چون سند را تعریف نکرده، عبارت سایر اسناد را - که در عناوین مذکور در تبصره ذکر نشده - جزء موارد شمول آورده است (علامه حائری، ۱۳۵۱، ص ۲۳).

- از دیگر سو، به‌کار رفتن عبارت «سایر اسناد» می‌تواند حاکی از این نکته باشد که قانون‌گذار، آگاهانه کوشیده است که این تعریف را به مصادیق ذکر شده محدود نسازد. شایان ذکر است یکی از موارد پیشنهادی در قانون‌گذاری برای آرشیوها و اسناد جاری، آن است که تعریف سند آرشیوی «باید همواره دارای ارزش باشد. مثلاً چنانچه از انواع موجود اسناد نام برده شود با پیشرفت تکنولوژی و تغییر انواع اسناد، این تعریف ارزش خود را از دست خواهد داد» (شورای جهانی آرشیو، ۱۳۷۳، ص ۳).

- علامه حائری نیز گمان کرده که قصد قانون‌گذار از به‌کار بردن عبارت «سایر اسناد» در این تبصره، این بوده که «مقنن خواسته است تمام موضوعات و مواردی [را] که احیاناً از قلم افتاده و یا در زمان حاضر وجود ندارد و در آینده موجود خواهد شد، جزو اسناد درآورد»؛ از این لحاظ به نظر می‌رسد تبصره، جامع است (۱۳۵۱، ص ۲۳-۲۴).

- همچنان‌که پیش از این وزیر تأکید کرده است، باوجود صراحت نداشتن متن این قانون، سند از محدوده نوشته خارج شده و به اشیایی سرایت یافته که «در ردیف نوشته، سند نامیده شده، محدود و مشخص شده‌اند» (۱۳۵۰، ص ۱۶).

- تیموری‌خانی نوشته، موارد ذکر شده در تبصره، عبارت از «سند برای سازمان» اسناد

می‌باشد و در ادامه چنین افزوده که «تعریف فوق، سند را به آنچه که در عرصه عمومی تولید می‌شود، محدود می‌کند. حال آنکه عرصه خصوصی نیز مولد اسناد با ارزش‌های آرشیوی است ...» (۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۰۷۵). کمری نیز در همین زمینه نوشته است که «طبق این تعریف و تلقی از سند، مفهوم سند مؤکد بر اسناد کتبی و آرشیوی دستگاه‌های دولتی متمرکز است. به عبارت دیگر، غلبه نگاه دیوان سالارانه دولتی، در تشخیص و تقسیم‌بندی سند، کاملاً محرز است» (۱۳۸۸، ص ۱۰). البته این نقدها به طور کامل وارد نیست؛ زیرا قانون‌گذار با به کار بردن عبارت «یا به دستگاه دولت رسیده است» قسمتی از اسناد بخش خصوصی را هم لحاظ کرده است و از سوی دیگر، ماده اول قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران، مصوب ۱۳۴۹، ضمن برشمردن دلایل تشکیل، آورده است که: «تمرکز پرونده‌های راکد وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت»، و بدین ترتیب، گروه‌های هدف خویش را مشخص کرده است. موضوعی که در بند ب ماده ششم همان قانون دگرباره به آن اشاره شده است: «وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مکلفند کلیه اسناد و پرونده‌های راکد را ... برای نگهداری موقت به سازمان اسناد ملی بسپارند مگر آنکه از تاریخ تهیه و تنظیم سند و یا تاریخ آخرین برگ پرونده، مدت چهل سال گذشته باشد که در این صورت باید به طور دائم به سازمان اسناد ملی منتقل شود»؛ بنابراین، در اینجا، قانون‌گذار قصد تعریف واژه سند را نداشته، بلکه تکلیف دستگاه‌ها را برای انتقال اسنادشان به سازمان در نظر داشته است و عملاً و قانوناً نمی‌خواسته بخش خصوصی را - که اسنادشان را به صورت‌های دیگر به سازمان می‌سپارند - مکلف و موظف به تحویل اسناد به سازمان مذکور کند.

- به کار رفتن عبارت «از لحاظ اداری، مالی، اقتصادی، قضائی، سیاسی، فرهنگی، علمی، فنی و تاریخی به تشخیص سازمان اسناد ملی ایران، ارزش نگهداری دائمی داشته باشند» در تبصره مورد نظر، بر خوردهای دوگانه‌ای را در پی داشته است. برخلاف وزیری، که نوشته با ذکر این ارزش‌ها «تمام جهاتی، که اسناد را دارای ارزش می‌کند، در نظر گرفته‌اند» (۱۳۵۰، ص ۱۶)؛ علامه حائری معتقد است که در تقسیم‌بندی اسناد در این تبصره مسامحه شده است، زیرا می‌توان اسناد را از دیدگاه‌های دیگری همچون مذهبی، هنری، صنعتی، اخلاقی، و اجتماعی نیز مورد بررسی قرار داد (۱۳۵۱، ص ۲۴).

بنابراین، به نظر نمی‌رسد بتوان از این تبصره به عنوان تعریف جامع و مانع و کامل سند - ولو به صورت عام - استفاده کرد.

۳-۱. در قوانین مالی: در قوانین مالی ایران، سند به صورت کلی تعریف نشده، بلکه بر حسب مورد تعریف گردیده است. ماده ۱ قانون محاسبات عمومی مصوب ۲۱ صفر ۱۳۲۹ بیان می‌دارد: «بودجه دولت سندی است که معاملات دخل و خرج مملکتی برای مدت

معینی در آن پیش‌بینی و تثبیت می‌گردد. مدت مزبور را سند مالیه گویند، که عبارت است از یک سال شمسی». با تغییر قوانین بعد - همچون قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۰ اسفند ۱۳۱۲ و ۱۵ دی ۱۳۴۹ - واژه سند به‌کاررفته در این قانون، حذف شد (علامه حائری، ۱۳۵۱، ص ۲۴).

به‌نظر نمی‌رسد بتوان از تعریف «سند مالیه» در این قانون - که به‌عنوان «تعریف سند از نظر قانون محاسبات عمومی» مشهور شده است - به‌عنوان تعریف سند - خاص یا عام - استفاده کرد.

۲. تعریف‌های متکی به قانون.

دسته دوم تعریف‌های قانونی را شاید بتوان تعریف‌هایی دانست که نویسندگان و پژوهشگران با توجه به موادی از قانون، برای انواع سند ارائه کرده‌اند که عبارت است از سند دولتی، سند اداری، و سند تجاری. باید بر این نکته تأکید کرد که این دسته‌بندی فقط به این اعتبار در اینجا آورده می‌شود که در تعریف آنها به موادی از قانون استناد گردیده یا از قانون استفاده شده، و بحث انواع اسناد مد نظر نبوده است.

۲-۱. سند دولتی: علامه حائری، با توجه به ماده ۲۵۹ قانون مجازات عمومی که می‌گوید: «هرکس عالماً دفاتر و قبالات و سایر اسناد دولتی را بسوزاند یا به هر نحو دیگری تلف کند ...»، برای اسناد دولتی تعریف زیر را ارائه کرده است: «اسناد دولتی عبارت از اسنادی است که به‌نحوی از انحاء [به] وسیله اجزاء و صاحب‌منصبان و مأموران دولتی در حدود صلاحیت و وظایف آنها تهیه می‌شود و این اسناد ممکن است احکام و نوشته‌ها - اوراق و قراردادهای - تذکره عبور یا اقامت - تصدیق‌نامه‌ها و تحریرات و سجالات و دفاتر و غیر آنها اعم از رسمی و غیر رسمی باشد» (۱۳۵۱، ص ۳۶).

به‌نظر می‌رسد این تعریف برای کاربرد عام واژه «سند»، جامعیت ندارد، زیرا:
- مصادیق ذکر شده در آن، تماماً نوشتاری است و مواد غیر نوشتاری، مانند مواد دیداری و شنیداری را - که در دستگاه‌های دولتی ایجاد و یا دریافت و نگهداری می‌شود - دربر نمی‌گیرد.
- این تعریف آنچه را که توسط افراد عادی (غیر از اجزاء و صاحب‌منصبان و مأموران دولتی) تهیه شده، اما به دستگاه‌های دولتی رسیده و به‌طور مداوم یا غیر مداوم در تصرف آنها بوده و در این دستگاه‌ها نگهداری می‌شود نیز سند دولتی ندانسته است.

- هرچند از عبارت «به نحوی از انحاء ... تهیه می‌شود» مفهوم دریافت کردن بر نمی‌آید، اما آیا می‌توان آنچه را توسط افراد غیردولتی تهیه شده و به دستگاه‌های دولتی رسیده و توسط مأموران دولتی مورد بررسی قرار گرفته و مورد اثر واقع شده است، نوعی تولید دانست؟

۲-۲. سند اداری: علامه حائری با توجه به تعریف سند در قانون امحای اسناد و اوراق مصوب ژوئن ۱۹۴۳ ایالات متحده آمریکا، تعریف زیر را برای سند اداری ارائه داده است:

قانون امحای اسناد و اوراق	تعریف علامه حائری
<p>منظور از اسناد در این قانون کلیه دفاتر، اوراق، نقشه‌ها، تصاویر و دیگر اشیای قابل استناد است که توسط یکی از ادارات حکومت ایالات متحده بر وفق قانون حکومت مرکزی یا به سبب انجام امور عمومی ایجاد یا دریافت و نگهداری گردیده یا حفظ آنها به عنوان مدرکی از سازمان، وظایف، سیاست‌های کلی، تصمیمات، روش‌ها و عملیات یا دیگر فعالیت‌های دولت یا به علت ارزش اطلاعات مندرج در آنها از طرف اداره مذکور یا جانشین قانونی آنها مقتضی تشخیص [داده] شود. آنچه که کتابخانه‌ها یا موزه‌ها فقط به منظور مراجعه یا نمایش، تهیه یا دریافت و نگهداری می‌کنند و همچنین نسخه‌های اضافی اسناد که منحصر برای سهولت مراجعه، نگهداری می‌شود و نشریات، مشمول تعریف سند مندرج در این قانون نخواهد بود (بوشهری، ۱۳۵۲، صص ۱۰-۱۱).</p>	<p>«سند عبارت است از کلیه کتاب‌ها، اوراق، نقشه‌ها، تصاویر و موادی نظائر آن، صرف نظر از شکل ظاهری یا خصوصیات آنها که وسیله یک سازمان یا جانشین آن در تعقیب وظایف و یا در زمینه امور مربوطه، به عنوان سوابق مثبت بر انجام وظائف چگونگی خط‌مشی، تصمیمات، روش‌ها، عملیات و دیگر فعالیت‌ها یا به مناسبت ارزش اطلاعاتی محتوی آنها ایجاد و دریافت و نگهداری شده و یا دارای ارزش نگاهداری می‌باشد، بدین ترتیب آنچه مشمول تعریف بالا نیست اسناد نمی‌باشد به خصوص موادی که صرفاً به منظور مراجعه یا نمایش در کتابخانه‌ها و موزه‌ها نگاهداری می‌شود» (۱۳۵۱، ص ۲۸).</p>

درباره این تعریف باید به نکته‌های زیر اشاره کرد:

- نویسنده، در آغاز تعریف، «کتاب» را در زمره اسناد آورده است و در پایان - با نگاهی به قانون امحای اسناد و اوراق مصوب ژوئن ۱۹۴۳ ایالات متحده آمریکا - موادی را «که صرفاً به منظور مراجعه یا نمایش در کتابخانه‌ها و موزه‌ها نگاهداری می‌شود»، از حوزه تعریف سند خارج کرده است و ظاهراً در اینجا دچار لغزش و تضاد شده است.

- در این تعریف، اوراق از جمله اسناد شمرده شده، اما حوزه معنایی دقیق آن مشخص نگردیده است. از لحاظ لغوی، اوراق جمع ورق و به معنی برگ درخت، برگه کاغذ و کتاب است که شامل دو صفحه پشت و روست، واحد شمارش برگ‌های کاغذ و پوست نازکی که روی آن چیز نویسد (معین، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۵۰۰۷). در این صورت نویسنده «آنچه نوشته شده بر کاغذ» را مد نظر داشته است.

- ملاک اعتبار در این تعریف، ارزش اطلاعاتی و نگهداری مدارک و آن چیزی است که به چگونگی اتخاذ تصمیم‌ها و فعالیت‌های سازمان‌ها مربوط می‌باشد (علامه حائری، ۱۳۵۱، ص ۲۹).

- این تعریف برای سند اداری ارائه شده و با وجود تأکید بر «دریافت» یا دارا بودن «ارزش نگاهداری» - که بر دامنه شمول تعریف سند اداری افزوده است - در برگیرنده همه اسناد افراد حقیقی نیست.

۲-۳. اسناد تجارتي: کاتبی، با اشاره به این نکته که در قانون تجارت عبارت «اسناد



تجارتی... فصل و عنوان خاصی ندارد»، از به‌کار رفتن نام سه سند عمده تجارتي یعنی «برات، فته طلب، و چک در ذیل باب چهارم» این قانون نتیجه گرفته، قصد قانون‌گذار «ایجاد مقرراتی برای عمده‌ترین اسناد تجارتي معمول» بوده است. به همین دلیل وی از سه سند یادشده، ذیل اسناد تجارتي بحث کرده و نوشته است: تعریف سند در ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی «شامل اسناد تجارتي مذکور در قانون تجارت می‌شود ولی قانون مدنی در مقام تعیین انواع سند آن را به رسمی و عادی تقسیم کرده، سند رسمی را فقط سند تنظیم شده در دفتر اسناد رسمی یا نزد مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بقیه را سند عادی دانسته است. بنابراین چون اسناد تجارتي خارج از شمول تعریف سند رسمی هستند بناچار اسناد عادی تلقی خواهند شد. معذالک مزایائی بر اسناد عادی دارند که آنها را برزخ اسناد عادی و رسمی قرار می‌دهد و به این جهت اطلاق اسناد تجارتي به آنها می‌شود» (۱۳۸۵، صص ۱۸۲-۱۸۳).

وی «اختصاصی بودن دعوی مربوط به اسناد تجارتي، مسئولیت تضامنی امضا کنندگان، مرور زمان اختصاصی، قابلیت واخواست، امتیاز در تأمین خواسته بدون تودیع زیان احتمالی طرف، مسئولیت کیفری در مورد چک و اعتبار اسناد تجارتي نزد بانک‌ها و اشخاص» را به‌عنوان مزایای اصلی اسناد تجارتي برشمرده است.

برخلاف نظر کاتبی به‌نظر نمی‌رسد در اینجا تعریف دقیق و جامعی از سند تجارتي ارائه شده باشد. اگر بخواهیم این نظر را خلاصه کنیم احتمالاً باید بگوییم از دیدگاه وی سند تجارتي عبارت است از هر نوشته‌ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد و در حدفاصل اسناد عادی و اسناد رسمی قرار دارد!

- در خصوص قسمت اول این تعریف، ذیل بند ۱-۱ بحث شد.

- قسمت دوم هم ناظر بر چگونگی و محل تنظیم سند می‌باشد و کمک چندانی به تعریف واژه نمی‌کند و به‌نظر نمی‌رسد بتوان از آن در معنای عام واژه سند استفاده کرد.

تعریف‌های تخصصی

گروه سوم تعریف‌های ارائه شده در مورد سند را می‌توان تعریف‌های تخصصی در رشته‌های مختلف نامید. این گروه شامل موارد زیر می‌باشد:

۳. تعریف سند از دیدگاه علوم اداری و بایگانی:

۳-۱. از ادل^۲ و استرانگ^۳ نقل شده که: «سند عبارت است از حقایق کتبی درباره وقایع و معاملات سازمان، که ممکن است در نامه، فرم‌های چاپی، کارت، اوراق کاغذ یا کتاب منعکس شود» (بوشهری، ۱۳۵۲، ص ۱۰؛ نیازمند، ۱۳۵۳، ص ۴۴).

۱. فرهیخته در تعریف سند تجاری Commercial Document آورده است «حقوق تجارت کلیه اوراق بهادار از قبیل چک، سفته، برات، اوراق گمرکی، حواله و غیره را اسناد تجاری می‌داند که باید گفت افزون بر این همه، کلیه اوراق و اسناد مربوط به معاملات و قراردادهای را نیز در این رده قرار می‌دهد» (۱۳۷، ص ۴۹۳).

2. Margaret K. Odel

3. Earl P. Strong



- گرچه در نگاه اول این تعریف جامع به نظر می‌رسد، اما فقط مواد کتبی و نوشتاری را در بر می‌گیرد.
- این تعریف مانع نیست چراکه هر نوشته‌ای «درخصوص وقایع و معاملات سازمان»، غیر از «اکاذیب و اطلاعات خلاف واقع به هر شکل و صورت» (بوشهری، ۱۳۵۲، ص ۱۰)، سند محسوب می‌شود (مقایسه کنید با: مؤمن، ۱۳۸۵، آبان، ص ۷۷)، حتی کتاب.
- به کار بردن قید سازمان در این تعریف سبب شده است که انواع مکاتباتی که بین افراد رد و بدل می‌شود سند محسوب نگردد (نیازمند، ۱۳۵۳، ص ۴۴).
- ۳-۲. تعریف نیازمند برای سند اینگونه است: «سند نوشته‌ای است که دارای حداقل یکی از ارزش‌های اصلی باشد». وی ارزش اصلی را «ارزشی که موجب نگهداری نوشته یا شیء می‌شود» دانسته و انواع آن را نظامی، سیاسی، تاریخی، حقوقی، علمی، فنی، و تحقیقی برشمرده است (۱۳۵۳، ص ۴۵).
- در این تعریف، قید نوشته سبب می‌شود تا آن دسته از موادی که به نحوی روزافزون جای خویش را در سازمان‌ها و همچنین در پژوهش‌ها باز کرده است (از قبیل: سی دی، نوار، و فیلم)، در زمره اسناد شناخته نشود. شایان ذکر است نیازمند نوشته‌ای را که حامل آن از قبیل کاغذ و سنگ و نظایر آن دارای ارزش باشد، مدرک می‌داند (۱۳۵۳، ص ۴۵).
- ۳-۳. برخی، اسناد «را اوراقی می‌دانند که برای مدت طولانی ارزش حفظ و نگهداری داشته و بایگانی سازمان در سراسر مهلت مقرر مکلف به حفاظت آنهاست» (بوشهری، ۱۳۵۲، ص ۱۴).
- منظور از اوراق در این تعریف ظاهراً ورق و کاغذ است (بنگرید ذیل بند ۲-۲). اگر اوراق را در مفهوم عام در نظر بگیریم، اشکال ذکر شده در بند ۲-۳ بر آن متصور خواهد شد.
- «ارزش حفظ و نگهداری» «برای مدت طولانی» و «مهلت مقرر»، از دیگر واژگان مبهم و کلی به کاررفته در این تعریف است که اجازه نمی‌دهد این تعریف کاربردی فراتر از حوزه خودش را داشته باشد.
- ۳-۴. «نویسندگان بایگانی دولتی، اسناد را سوابقی می‌دانند که راکد بوده، مورد احتیاج و مراجعه روزانه دستگاه نمی‌باشد...» (بوشهری، ۱۳۵۲، ص ۱۴).
- بوشهری نوشته است که اطلاق راکد بودن به خودی خود کافی نیست، زیرا ممکن است به هر دلیل سند از بایگانی راکد خارج شده و دوباره به جریان بیفتد.
- در این تعریف، سند «سابقه راکد» دانسته شده، ولی تعریف دقیق سابقه ارائه نگردیده است. ظاهراً در این تعریف، سابقه، دارای ارزش آرشیوی می‌باشد. در این صورت محل نگهداری سوابق نه در بایگانی راکد که در آرشیو است.
- ۳-۵. سند «در فرهنگ اداری، به طور کلی حاصل خدمت و فعالیتی است که از طرف افراد

و سازمان‌های مختلف به صورت نوشته یا صور مختلف دیگر که با رعایت موازین و مقررات تهیه و تنظیم شده و برای مراجعات بعدی قابل نگهداری باشد، اطلاق می‌شود» (امیرشاهی، ۱۳۸۴، صص ۵ و ۶؛ با اندکی تفاوت در: علن، ۱۳۸۹، ص ۳۵).

- از نظر نوع رسانه، این تعریف نسبتاً جامع است، زیرا فقط به نوشته اتکا نکرده و حالات دیگر را هم در نظر گرفته است.

- این تعریف هر چند جامع است، اما مانع نیست؛ زیرا انواع مختلفی از تولیدات سازمانی مثل کتاب را نیز دربرمی‌گیرد.

- در این تعریف، دو عبارت «صور مختلف دیگر» و «با رعایت موازین و مقررات تهیه و تنظیم شده ... باشد»، مبهم و کلی است و خواننده به طور دقیق و واضح، مقصود نویسنده را در نمی‌یابد.

۴. تعریف سند از دید اصول حسابداری:

«هر نوشته‌ای که ذمه سازمان یا شخص حقیقی یا حقوقی را که به نحوی از انحا با سازمان طرف حساب و معامله است مشغول یا بری نماید، یا مبین پرداخت و وجهی جهت خرید کالا یا خدمات و یا حاکی از انعقاد قرارداد یا وقوع عقدی یا ایقاع باشد و یا از آثار ناشیه از حقوق خاصی حکایت نماید به شرط وجود اهلیت و دارا بودن امضاء مجاز لازم برای رسیدن به یکی از مقاصد بالا سند محسوب می‌شود...» (علامه حائری، ۱۳۵۱، ص ۲۶).

- این تعریف جامع نیست، زیرا سند را به نوشته محدود کرده است.

- به نظر می‌رسد این تعریف بسیار خاص است و به نوعی «اسناد مالی» را در نظر دارد.

از این رو، قابلیت استفاده به عنوان تعریفی عام برای سند را ندارد.

۵. تعریف سند از دیدگاه کتابداری، سندپردازی، و اطلاع‌رسانی

در برخی آثار کتابداران و اطلاع‌رسانان، تعریف‌هایی برای سند به شرح زیر ارائه شده است:

۱-۵. «سند و مدرک در مفهوم کلی خود به رسانه‌ای دلالت دارد که توسط آن داده‌ها، اطلاعات و دانش بدون توجه به صفات یا شکل ظاهرشان ثبت می‌شود. رسانه‌ها تمام مواد نوشتاری اعم از دست‌نوشته، ماشینی یا چاپی را شامل می‌گردند، ولی به آنها محدود نمی‌شوند؛ بلکه کلیه نقاشی‌ها، طراحی‌ها و حکاکی‌ها، وسایل ضبط صوت، عکس‌های چاپ نشده و نیز فیلم آنها، چه بصورت ساکن و چه بصورت متحرک و سینمایی، موادی که اطلاعات بر روی آنها پرداخته شده و چه بصورت برگه‌های منگنه‌ای، چاپی یا کدگذاری شده و چه به شکل نوار یا دیسک‌های مغناطیسی و نیز نسخه‌های مکرر مدارک فوق را به

هر روش که تکثیر شده باشند، در بر می‌گیرند (ویسمان، ۱۳۷۳، ص ۲۷).
 - هر چند تعریف ویسمان جامع است، اما تعریفی عام برای سند به‌شمار می‌رود و به‌نظر می‌رسد بیش‌تر ناظر بر مدرک (Document) است (بنگرید به بند بعد).
 - از آنجاکه این تعریف عام است، به نحوه تولید (دریافت یا ایجاد) اسناد نیز در آن اشاره نشده است.

- در این تعریف، سند، با رسانه و محمل انتقال اطلاعات یکی انگاشته شده است.
 - این تعریف شامل کتاب و مجله هم می‌شود، در صورتی که، اکثر تعریف‌های دیگر، کتاب و نظایر آن را از شمول سند خارج دانسته است.

بنابر آنچه گفته شد، به‌نظر نمی‌رسد تعاریفی را که در سندپردازی (دکوماناسیون) مورد نظر است، بتوان به‌عنوان تعریفی جامع و مانع برای سند محسوب کرد.

۲-۵. آذرنگ، در تعریف Document - که برای آن معادل‌های مدرک و سند را برگزیده - آورده است: ۱. هر اثر چاپی، خطی یا عکسی، ۲. هر وسیله قابل رؤیت و لمسی که حاوی اطلاع یا خبر و پیامی باشد، ۳. در عرف سندپردازی، هر آنچه که بتواند اطلاع علمی را انتقال دهد و در تحقیق مورد استفاده قرار گیرد (۱۳۵۹، ص ۴۳).

- حوزه فعالیت‌های سندپردازی ایجاب می‌کند که «هر آنچه که بتواند اطلاع علمی را انتقال دهد و در تحقیق مورد استفاده قرار گیرد» سند انگاشته شود، اما در حوزه‌های دیگر اطلاع‌رسانی، به‌ویژه آرشیوداری و حتی کتابداری هر کدام از این مواد نامی خاص دارد. برای نمونه، «هر اثر چاپی، خطی یا عکسی» الزاماً سند انگاشته نمی‌شود. همچنین، نویسندگان علوم اداری در کاربرد دو واژه سند و مدرک، که در اینجا توأمان به یک معنی به‌کاررفته است، از رویه یکسانی پیروی نمی‌کنند.^۱

- این تعریف نیز همچون تعریف بند ۱-۵، ناظر بر مدرک است و از این‌رو، تعریفی بسیار کلی برای سند به‌شمار می‌رود.

۳-۵. در برخی دیگر از منابع کتابداری، سند مترادف با مدرک و دبیزه، معادل واژه Document ترجمه، و اینگونه تعریف شده است: «به هر نوع نوشته خطی، چاپی، عکسی و یا به صورت‌های دیگر و هر شیئی مادی را که بتوان از محتوای آن اطلاعی به دست آورد دبیزه (مدرک) گویند [سند؛ مدرک]» (سلطانی، راستین، ۱۳۶۵، ص ۱۳۱؛ ۱۳۷۹، ص ۱۴۷).

- این تعریف جامع است و همه شکل‌های سند را در بر می‌گیرد.
 - با وجود جامع بودن، این تعریف برای سند مانع نیست، زیرا در بردارنده «هر شیئی مادی» است که «بتوان از محتوای آن اطلاعی به دست آورد» و لوشیء باستانی یا اثر جرم.
 ۴-۵. سلطانی و راستین، واژه سند را به‌عنوان یکی از معانی Document Archival [آرشیو

۱. برای نمونه بنگرید به علن، ۱۳۸۹، صص ۳۳-۳۴؛ بوشهری، ۱۳۵۲، صص ۱۴-۱۵؛ علامه حائری، ۱۳۵۱، صص ۱۹-۲۱.



دبیزه؛ سند؛ مدرک آرشیوی] نیز برگزیده و در معنی آن نوشته‌اند که: «دبیزه یا سندی که در شکل اصلی خود، یا تا به آنجا که ممکن است نزدیک به شکل اصلی، به طور دائم نگهداری شود، به نحوی که بتوان همواره از فرم فیزیکی و محتوای آن استفاده کرد» (۱۳۷۹، ص ۱۴۷).

- این تعریف جامع است و همه شکل‌های سند را در برمی‌گیرد.

- این تعریف، با وجود جامع بودن، مانع نیست و به‌عنوان مثال اشیای باستانی را هم شامل می‌شود.

۵-۵. «واحدی از مواد حاوی اطلاعات؛ در اینجا تأکید بر محتوای اطلاعات است تا شکل ظاهری ماده» (فوترگیل، بوچارت، ۱۳۸۲، ص ۱۴).

- این تعریف جامع است و همه شکل‌های سند را در برمی‌گیرد.

- این تعریف برای سند مانع نیست، زیرا حد نهایی برای آن تصور نشده است.

۵-۶. جهان‌پناه، سندرا «انتشارات غیر از کتاب مانند گزارش نشست‌ها، گزارش فعالیت‌های

مدیران، جزوه...» تعریف کرده است (۱۳۷۱، ص ۱۱، زیر نویس ش ۲).

- این تعریف جامع نیست، زیرا خود را به انتشارات محدود کرده است و بنابراین، همه شکل‌های سند را در بر نمی‌گیرد.

- این تعریف مانع نیست، زیرا به‌جز کتاب، هر آنچه را قید انتشارات بر آن اطلاق

می‌شود، در بر می‌گیرد.

۵-۷. به‌عنوان یک جمع‌بندی عمومی برای تعریف واژه سند، تیموری خانی نوشته است:

«از دیدگاه کتابداری و اطلاع‌رسانی، سند به دو معنا به‌کار می‌رود یکی به معنای اخص، و آن متنی است که برای ثبت رویداد خاصی در یک یا چند نسخه محدود تولید می‌شود. اینگونه سندها معمولاً در آرشیوها و بایگانی‌ها نگهداری می‌شوند و جزء انتشارات عمومی محسوب نمی‌گردند. دیگری، سند به معنای عام است که به هر نوع نوشته خطی، چاپی، عکسی و یا به‌صورت‌های دیگر، و هر شیء مادی که بتوان از محتوای آن اطلاعاتی به‌دست آورد، می‌گویند (دبیزه). این نوع اسناد معمولاً در نسخ فراوان و به تعداد زیاد منتشر می‌شوند» (تیموری خانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۰۷۴).

- در خصوص تعریف اخص ذکر شده در اینجا باید گفت که:

• سند در اصل برای «ثبت رویداد خاصی» تولید نمی‌شود، بلکه برای انجام وظایف محوله

و در اجرای قانون و مقررات است.

• عبارت‌های «در یک یا چند نسخه محدود تولید می‌شود» و «اینگونه سندها معمولاً در

آرشیوها و بایگانی‌ها نگهداری می‌شوند و جزء انتشارات عمومی محسوب نمی‌گردند»، از نقاط

قوت این تعریف برای سند محسوب می‌شود و «مانع» بودن تعریف را در پی داشته است.

- این تعریف، با وجود مانع بودن، جامع نیست. برای نمونه، همه اسنادی را که بخش خصوصی تولید می‌کند شامل نمی‌شود.

- در خصوص معنی عام ذکر شده، پیش از این ذیل بندهای ۲-۵ و ۳-۵ بحث شد.

۶. تعریف سند از دیدگاه تاریخی و پژوهشی

۱-۶. این تعریف را، که به تعریف سند از دیدگاه تاریخی معروف شده، قائم مقامی ارائه کرده است: «اسناد تاریخی شامل کلیه فرمانهای سلطنتی، مکاتبات و اسناد سیاسی، معاهدات، نوشته‌های اداری اسناد قضایی و مالی و حقوقی، گزارش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نظامی و برخی از مکاتبات خصوصی و دوستانه و خانوادگی می‌باشد که در قدیم به آنها سلطانیات و دیوانیات و اخوانیات می‌گفتند» (۱۳۵۰، صص ۵-۶).

هرچند قائم مقامی این مطلب را در پاسخ به پرسش «سند چیست» نوشته است و از این منظر شاید بهتر بود در این مقاله مورد نقل و بررسی قرار نمی‌گرفت، از آنجاکه این تعریف سال‌هاست مورد استفاده و استناد گروهی از تاریخنگاران و آرشیو داران و کتابداران قرار گرفته است، به ذکر این نکته اکتفا می‌شود که تعریف نقل شده از قائم مقامی، تعریف عام سند نیست، بلکه وی تعریفی برای «سند تاریخی» مطرح کرده و «دیگران» آن را به عنوان تعریف «سند» ارائه کرده‌اند.

۲-۶. تعریف سند از دیدگاه مورخان را شاید بتوان تعریف زیر دانست که در کتاب تاریخ پیش دانشگاهی ارائه شده است: «سند نوشته‌ای است که قابل استناد باشد، بتواند اطلاعاتی علمی را انتقال دهد و در تحقیق مورد استفاده قرار گیرد و ارزش نگهداری دائمی داشته باشد» (هیئت مؤلفان، ۱۳۷۳، ص ۷۸).

- بر طبق این تعریف، سند، نوشته است. به عبارت دیگر، یکی از ویژگی‌های اصلی سند نوشته بودن آن است، به هر شکل و در معنای عام نوشته؛ و آنچه نوشته نیست، سند نیست. لذا این تعریف، اسناد غیر نوشتاری را - که در دستگاه‌های دولتی ایجاد و یا دریافت و نگهداری شده است - در بر نمی‌گیرد.

- شرط دیگری که در این تعریف ذکر شده، داشتن قابلیت استناد است. بنابراین، نوشته‌ای که قابلیت استناد نداشته باشد، سند نیست. به عبارت دیگر، در برخی موارد، هر نوشته‌ای هم قابل استناد نیست. اما مشخص نشده این امر چه زمانی محقق می‌شود و مرجع تشخیص قابلیت استناد کیست؟

آیا می‌توان تصور کرد - که به هر دلیل - نوشته‌ای برای یک مورخ قابلیت استناد داشته باشد و برای دیگری خیر؟ بر این اساس «سندیت» سند مفهومی عَرْضی است و این نوشته،

گاه سند محسوب می‌گردد و گاه نه؟ به یاد داشته باشیم که بر طبق تعریف ذکر شده در ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی شهادت‌نامه نوشته‌ای است که اعتبار شهادت دارد، ولی سند نیست (بنگرید به بند ۱-۱).

- در این تعریف، دو ملاک قابلیت انتقال اطلاعاتی علمی و قابلیت استفاده در تحقیق، به‌عنوان دو ویژگی اصلی در تبیین مفهوم سند، مورد توجه قرار گرفته است، ملاک‌هایی که بر ارزش این تعریف افزوده است.

- قید «ارزش نگهداری دائمی» از دیگر ظرایف و دقایق به‌کار گرفته شده در این تعریف است، اما رسا نیست، زیرا عوامل تشخیص این ارزش و مرجع تشخیص در آن مشخص نشده است.

- پنج عنصر اصلی ذکر شده در تعریف یاد شده، نتوانسته است دو ویژگی جامع و مانع بودن را برای تعریف به‌همراه داشته باشد و این تعریف جامع و مانع نیست، زیرا از یکسو خود را محدود به نوشته کرده است و از سوی دیگر، مواد نوشتاری دیگری را هم مانند کتاب‌های نسخه خطی، چاپ ژلاتین، و کمیاب در بر می‌گیرد.

۳-۶. مؤمن ارائه تعریفی جامع و مانع از سند از دیدگاه تاریخی را دشوار می‌داند، زیرا به اعتقاد او «در تعریف تاریخ و تعیین تاریخی بودن هر شی و مدرک، معیار روشن و مورد اتفاقی وجود ندارد». وی آنگاه به بیان برداشت و تعریف عام و تعریفی خاص از سند پرداخته است. به‌زعم او در نگاهی عام «به کلیه منابع اعم از کتبی، شفاهی و تصویری سند اطلاق می‌شود. چنانکه سند یا مدرک، واژه‌ای مترادف با منبع و هرگونه شاهد فارغ از شکل و محتوی تلقی می‌گردد؛ اما در یک تعریف محدودتر اسناد تاریخی در کنار سایر منابع باستانشناسی، منابع تصویری و منابع کتبی، تنها بخشی از منابع تاریخ را تشکیل می‌دهند. مشخصه اصلی هر نویسنده از این دیدگاه تولید آن به وسیله دستگاه اداری است. بدین ترتیب، کلیه فرمانهای سلطنتی، مکاتبات و اسناد سیاسی، معاهدات، نوشته‌های اداری، اسناد قضایی، مالی و حقوقی و نیز گزارش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و نظامی در زمره اسناد تاریخی به‌حساب می‌آیند. البته برخی مکاتبات خصوصی، دوستانه و خانوادگی نیز از این نظر سند تاریخی به شمار آمده‌اند» (۱۳۸۵، آبان، ص ۷۷). همان‌گونه که در متن تعریف بدان تصریح شده، در اینجا دو تعریف عام و خاص ارائه گردیده است:

- وی در مفهوم عام، سند را با منبع پژوهش و تحقیق یکسان گرفته و در واقع همان معنی سنتی «آنچه بدان استناد کنند» را مد نظر قرار داده است.

- قسمت دوم این تعریف براساس تعریف قائم مقامی از «سند تاریخی» است، و نه «سند». از این رو، مد نظر مقاله حاضر نیست.

۴-۶. دالوند گفته «به‌طور عام و کلی می‌توان گفت: سند وسیله و ابزاری است که

به نوعی حقیقتی را برای طالبان آن روشن می‌سازد» (۱۳۷۷، ص ۱۷).

- این تعریف جامع است و همه شکل‌های سند را در برمی‌گیرد.

- این تعریف، با وجود جامع بودن، مانع نیست؛ زیرا هر آنچه که می‌تواند «به نوعی حقیقتی را برای طالبان آن روشن سازد» در برمی‌گیرد. از این رو، همان گونه که دالوند خود گفته، تعریفی بسیار عام به شمار می‌رود.

۶-۵. «در اصطلاح گزارش نویسی، اسناد به اوراق و مدارکی اطلاق می‌شود که شرح وقایع مهم زمان گذشته (دور و نزدیک) در آنها ثبت شده است...» (جهانبخش ثواب، ۱۳۸۵، ص ۹۸).

- در این تعریف اسناد و اوراق و مدارک در عرض یکدیگر به کار برده شده است.

- این تعریف نه جامع است و نه مانع و از این رو، نمی‌تواند به عنوان تعریف عام از سند مورد استفاده قرار گیرد.

۷. از دیدگاه حقوقی

۷-۱. به طور عام، از دیدگاه حقوقی، سند به معانی «نوشته‌ای که ادعای کسی را نسبت به چیزی یا جایی به طور رسمی تأیید می‌کند، مانند ادعای مالکیت ...؛ و ... آنچه بتوان به وسیله آن، ادعایی را ثابت یا رد کرد...» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۴۲۶۱). ثبت شده است. همان گونه که پیش از این در بند ۱-۱ اشاره شد، بنابه قانون مدنی، سند نوشته‌ای است که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد. از دیگر سو، بنابه نوشته قوامی (به نقل از صادقان، ۱۳۸۶، بهار، ص ۷۲) در حقوق ایران، این واژه، به مفهوم مطلق دلیل نیز به کار رفته است، اعم از مکتوب یا ملفوظ؛ و در این معنی مترادف مدرک است و در مورد آن عبارت مکتوب و ملفوظ به کار رفته که تلویحاً از وجود سند غیر مکتوب حکایت دارد.

۷-۲. فرهیخته، با توجه به قانون مدنی ایران، دو معنی برای Document ذکر کرده است. در معنی نخست، که آن را معادل Acte گرفته، سند، هر گونه نوشته‌ای تعریف شده است که قابل استناد باشد «... اعم از اینکه توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد». در معنی دوم، وی سند را «هر گونه یادداشت یا نوشته و یا شیء دانسته است که بتوان به آن «هنگام هر گونه دعوایی، یا به وقت هر گونه دفاعی استناد کرد» (۱۳۷۷، ص ۴۹۳).

۷-۳. آقاصفیری، پس از خرده گرفتن بر قید نوشته بودن سند، در قانون مدنی ایران، تعریف زیر را برای سند پیشنهاد کرده است که با توجه به اینکه بر تعریف سند از دید قانون مدنی استوار است، در اینجا آورده می‌شود. وی می‌گوید: «آنچه که بر مبنای آن دعوی یا دفاع توان کرد، به شرط علم و عقل سند است» (۱۳۸۸، فروردین، صص ۱۱۴-۱۱۵). وی ضمن

اشاره به جامع و کامل نبودن تعریف پیشنهادی خود، سه ویژگی برای این تعریف برشمرده است: متکی نبودن سند به نوشته، قابلیت استناد در دفاع و دعوی - برگرفته از قانون یاد شده -، و شرط علم و عقل.

- شرط عقل و علم برای سند با توجه به نسبی بودن این دو - همان گونه که آقاصفری (۱۳۸۸، فروردین، ص ۱۱۶) نیز اشاره کرده - زائد به نظر می‌رسد؛ به‌ویژه آنکه قید قابلیت استناد به‌خودی‌خود، بر وجود هر دو مفهوم دلالت دارد. بنابراین، عبارت و شرط یاد شده حشو و زائد به نظر می‌رسد.

- در خصوص قسمت اول تعریف، ذیل بند ۱-۱ بحث شد.

۸. از منظر مدیریت اسناد

۸-۱. وزیرنیا، سند را اینگونه تعریف کرده: «سند عبارت است از نامه، گزارش، نقشه، تصویر، و مواردی نظیر آن صرف نظر از شکل ظاهر آنها که به‌وسیله یک سازمان و یا جانشین آن در تعقیب وظایف و یا در زمینه امور مربوط به‌عنوان سوابق مثبت در انجام وظایف، چگونگی خط‌مشی، تصمیمات، روش‌ها، عملیات، و دیگر فعالیت‌ها و یا به‌مناسبت ارزش اطلاعاتی محتوای آنها ایجاد و دریافت و نگاهداری شده و یا دارای ارزش نگهداری باشد» (۱۳۴۹).

- این تعریف جامع است و دربردارنده همه انواع سند است.

- در این تعریف نیز دارا بودن ارزش نگهداری، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی سند آورده شده که از نقاط قوت تعریف است.

- از لحاظ تولیدکننده و منشأ جامع نیست و فقط منابعی را دربرمی‌گیرد که «به‌وسیله یک سازمان و یا جانشین آن در تعقیب وظایف و یا در زمینه امور مربوط ایجاد و دریافت» شده باشد.

- این تعریف مانع نیست؛ برای نمونه مقاله و کتاب را هم شامل می‌شود.

۸-۲. در سایت وزارت نیرو، اداره کل حراست دو تعریف برای سند آورده شده که معانی آنها تقریباً برهم منطبق است به‌همین دلیل در اینجا آورده می‌شود: «هر نوع اطلاعات ثبت شده در هر سازمان که به اشکال نوشتاری، دیداری، شنیداری، مغناطیسی، الکترونیکی و... قابل تنظیم و بهره‌برداری باشد». یا «سند عبارتست از مدارک حاوی اطلاعاتی که به هر شکل و در هر قالب، در هر سازمان ایجاد و دریافت شده است» (۱۳۸۸، ص ۱۳).

- این تعریف‌ها جامع به‌نظر می‌رسد، زیرا انواع جدید اسناد را نیز دربرمی‌گیرد.

- اما مانع نیست، زیرا آوردن قید «هر نوع اطلاعات ثبت شده» موجب گردیده که این تعریف حتی موجودی کتابخانه‌های سازمانی را هم شامل شود.

۳-۸. در تعریفی دیگر، منطبق بر دیدگاه اداری، آمده که سند «به آن دسته از مدارک اطلاق می‌شود که توسط سازمانهای دولتی دریافت شده و یا برطبق قانون و برای انجام امور عمومی پدید آمده باشند» (مؤمن ۱۳۸۵، آبان، ص ۷۷).

- به نظر می‌رسد این تعریف، تعریف «سند اداری» باشد و نه تعریف «سند».

- از طرف دیگر، این تعریف مانع نیست؛ زیرا همه مدارکی را «که توسط سازمانهای دولتی دریافت شده و یا برطبق قانون و برای انجام امور عمومی پدید آمده باشند» در بر می‌گیرد ولو آنکه این مدارک، کتاب، نشریه، و مانند آنها باشد.

- به کار رفتن قید «توسط سازمانهای دولتی دریافت شده و یا برطبق قانون و برای انجام امور عمومی پدید آمده باشند»، باعث شده تا اسنادی هم که توسط افرادی غیر از مأموران آن سازمان‌ها تولید، ولی توسط سازمان دریافت شده است در زمره اسناد تلقی شود که از نقاط قوت این تعریف برای به کارگیری آن در تعریف عام از سند است.

- تکلیف مدارک دریافت شده توسط سازمانهای غیر دولتی و افراد در این تعریف مشخص نشده است. به همین دلیل، این تعریف جامع به نظر نمی‌رسد، زیرا اسناد بخش خصوصی را به طور کامل در بر نمی‌گیرد.

۹. تعریف سند از دید آرشیو

گروه دیگر تعریف‌های ارائه شده درباره سند را سازمان اسناد ملی ایران، کارکنان آن و یا افرادی ارائه کرده‌اند که در خصوص آرشیو مطلب نوشته‌اند.

۱-۹. «اسناد یا آرشیو بخشی بزرگ یا کوچک از مدارک یک سازمان، مؤسسه یا هر واحد است که برای نگاهداری دائم انتخاب شده و به لحاظ ارزش‌های دائمی که در آنها تشخیص داده شده، قابل نگاهداری می‌باشند» (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۶۹، ص ۳).

- این تعریف، ترجمه archives و به نوعی «تعریف سند از دید آرشیو» است و در بردارنده اسنادی است که «برای نگاهداری دائم انتخاب شده» و «ارزش‌های دائمی» دارد و بنابراین، جامع نیست (در همان منبع، «مدارک» معادل واژه Records آمده و اینگونه تعریف شده: «مدارک صرف نظر از ویژگی یا شکل فیزیکی آنها عبارتند از کلیه مطالبی که دارای سندیت بوده و توسط یک سازمان یا واحد در نتیجه انجام وظایف آن و یا سایر فعالیت‌هایی که عهده دار انجام آنهاست، ایجاد یا دریافت گردیده و نگهداری شده‌اند. مدارک یک واحد، کلیت و مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که اسناد از میان آنها انتخاب شده» است).

- به کار رفتن قید «یک سازمان، مؤسسه یا هر واحد» سبب شده که اسناد شخصی در این تعریف راه نیابد (مگر آنکه واحد را شامل افراد هم بدانیم).

۲-۹. «اسناد را می‌توان اطلاعات ثبت شده‌ای دانست که توسط یک اداره، مؤسسه،

سازمان یا افراد در اجرای وظایف قانونی خود و یا انجام معاملات تجاری ایجاد شده است» (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۶۹، ص ۱۰۵).

- این تعریف خود را مقید به نوع و جنس نکرده و از این رو، حوزه شمول آن گسترده و جامع است و انواع جدید اسناد را نیز دربرمی‌گیرد.

- این تعریف مانع نیست، زیرا همه اطلاعات ثبت شده‌ای را که «توسط یک اداره، مؤسسه، سازمان یا افراد در اجرای وظایف قانونی خود و یا انجام معاملات تجاری ایجاد شده» دربرمی‌گیرد ولو آنکه این مدارک، کتاب، نشریه و مانند آنها باشد.

- از سوی دیگر، این تعریف همه اطلاعات ایجاد شده توسط افراد را دربر نمی‌گیرد.

- به کار رفتن قید «ایجاد شده است»، باعث شده تا اسنادی که «توسط یک اداره، مؤسسه، سازمان یا افراد» دریافت شده است در زمره اسناد تلقی نشود و این امر یکی دیگر از نقاط ضعف این تعریف برای به کارگیری آن در تعریف عام سند است.

۳-۹. دهقانی سند را این گونه تعریف کرده است: «به طور کلی سند عبارت است از اطلاعات ثبت شده اعم از نوشتاری، تصویری، سمعی (شنیداری) و بصری که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی ایجاد یا دریافت شده و دارای ارزش‌های اولیه یا ثانویه می‌باشد» (۱۳۷۳، ص ۳).

پیش از پرداختن به این تعریف، باید به دو اصطلاح ارزش اولیه و ثانویه اشاره کرد. براساس نظریه شلنبرگ (۱۳۷۹)، پاییز و زمستان، ص ۱۰۸) دو نوع ارزش شامل ارزش اولیه^۱ و ارزش ثانویه^۲ در اسناد دولتی قابل تشخیص است. ارزش‌های اولیه مشتمل بر کاربردهایی است که اسناد به خاطر آنها تولید می‌شود. این ارزش‌ها معمولاً زودگذر است و با کامل شدن یا پایان یافتن فعالیت یا عملی که سند به خاطر انجام آن تولید شده، سند ارزش خود را از دست می‌دهد. ارزش‌های ثانویه، ارزش‌های یک سند از نظر تولید کننده، سازمان‌های دیگر، و یا افراد مختلف و به ویژه پژوهشگران است. در واقع، ارزش‌های ثانویه ارزش‌هایی می‌باشد که سند به خاطر آن تولید نشده است و استفاده‌کنندگان آن هم کسانی دیگر، به غیر از تولید کنندگان یا دریافت‌کنندگان سند، هستند.

تعریف دهقانی که با تغییری اندک در خبرنامه نظام ملی اسنادی کشور (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۵، دی، ص ۲) نیز آمده است، تعریفی:

- جامع بوده و سند را به «نوشته» محدود نکرده است.
- از اشخاص حقوقی (سازمان‌ها، نهادها، و جز آن) فراتر رفته است و دایره شمول اشخاص حقیقی را نیز دربرمی‌گیرد.

- قید ارزش‌های ثانویه سبب شده که تعریف مانع باشد و سایر محمل‌های اطلاعات همچون مقاله و کتاب در آن راه نیابد.

- از آنجاکه این تعریف خود را مقید به مصادیق نکرده است تا مدت‌ها دارای ارزش

1. Primary value

2. Secondary value

خواهد بود. چراکه اگر از انواع موجود اسناد نام برده می‌شود با پیشرفت فناوری و تغییر انواع اسناد، این تعریف ارزش خود را از دست می‌داد.

- تولیدکننده یا دریافت‌کننده اسناد را نیز دربر دارد.

- البته همچنان که گفته شد این تعریف سند را به شیوه‌ای عام مورد بررسی قرار داده است.

۴-۹. در جمع‌بندی آمده در نظام ملی اسنادی پس از ارائه تعاریفی از سند، تعریف زیر

برای سند پیشنهاد گردیده: «سند عبارت است از اطلاعات مضبوط اعم از نوشتاری، دیداری، شنیداری که توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی ایجاد شده و دارای ارزش نگهداری باشد» (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۵، دی، ص ۲).

(این تعریف در برخی آثار دیگر به کار گرفته شده است از جمله تیموری‌خانی، ۱۳۸۵،

ج ۲، ص ۱۰۷۴).

- این تعریف مانع نیست، زیرا برای نمونه مقاله و کتاب را هم شامل می‌شود.

- جامع نیست، زیرا شامل انواع دیگری از اسناد (همچون ترسیم و گرافیکی)

نمی‌شود.

- عبارت «دارای ارزش نگهداری» گرچه بر اساس قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران

در اینجا وام گرفته شده و از مزایای تعریف است، اما رسا نیست؛ زیرا مدت زمان (تقریبی) و مکان نگهداری (مثلاً بایگانی یک اداره یا آرشیو منطقه‌ای یا آرشیو ملی)، عوامل تشخیص ارزش نگهداری و مرجع تشخیص در آن مشخص نشده است.

۵-۹. مؤمن، ضمن آوردن تعریف سند «منطبق بر دیدگاه اداری» آورده است: «سند به

آن دسته از مدارک اطلاق می‌شود که توسط سازمانهای دولتی دریافت شده و یا برطبق قانون و برای انجام امور عمومی پدید آمده باشند» (۱۳۸۵، آبان، ص ۷۷).

- همچنان که مؤمن نوشته «از دیدگاه اداری و حقوقی تعریف سند محدود است و

بسیاری از مواد را دربر نمی‌گیرد».

- منظور از مدارک در این تعریف نامشخص است.

- حوزه شمول این تعریف گسترده و جامع به نظر می‌رسد و انواع جدید اسناد را نیز

دربر می‌گیرد.

- این تعریف مانع نیست و همه مدارکی را «که توسط سازمانهای دولتی دریافت شده

و یا برطبق قانون و برای انجام امور عمومی پدید آمده باشند» در بر می‌گیرد ولو آنکه این مدارک، کتاب، نشریه و مانند آنها باشد.

- به کار رفتن قید «توسط سازمانهای دولتی دریافت شده و یا برطبق قانون و برای انجام

امور عمومی پدید آمده» باشد، باعث شده تا اسنادی که توسط افرادی غیر از مأموران آن

سازمان‌ها تولید شده، ولی توسط سازمان دریافت شده است در زمره اسناد تلقی شود و این از نقاط قوت این تعریف برای به‌کارگیری آن در تعریف عام از سند است. اما تکلیف مدارک دریافت شده توسط سازمان‌های غیر دولتی در این تعریف مشخص نشده است.

۹-۶. بنا به تعریفی که کیانی، معاون اسبق اسناد ملی، ارائه داده «سند، هر گونه اطلاعاتی است که در دستگاه دولتی تولید شود یا به آن برسد و به طور دائمی در تصرف دولت باشد و از نظر قضائی، سیاسی، اجتماعی، هنری و تاریخی، ارزش نگهداری داشته باشد» (صادقیان، ۱۳۸۶، بهار، ص ۷۳).

- به نظر می‌رسد در این تعریف - که ظاهراً مبتنی بر ماده اول قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران می‌باشد - اسناد دولتی مد نظر قرار گرفته است زیرا «هر گونه اطلاعاتی» که به دستگاه دولتی نرسیده و به طور دائمی در تصرف دولت نباشد، سند محسوب نگردیده است؛ بنابراین تعریف فاقد جامعیت است.

- عبارت «هر گونه اطلاعاتی» سبب گردیده که این تعریف مانع نباشد و برای نمونه مواد کتابخانه‌ای مانند کتاب و نشریه را هم در برگیرد.

۹-۷. صادقیان، تعریف زیر را گردآوری و پیشنهاد کرده است: «سند، عبارت است از واحدی از مواد حاوی اطلاعات، اعم از نوشتاری، دیداری و شنیداری که اشخاص حقیقی یا حقوقی ایجاد کرده‌اند و یا توسط رایانه ایجاد شده و دارای ارزش نگهداری باشد. در این تعریف، بیشتر تأکید بر محتوای اطلاعات است تا شکل ظاهری آن» (۱۳۸۶، ص ۷۳).

- عبارت «اطلاعات مضبوط» آمده در تعریف نظام ملی اسنادی کشور (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۵، دی، ص ۲) در تعریف صادقیان به «واحدی از مواد حاوی اطلاعات» - بر اساس تعریف فوترگیل و بوچارت (۱۳۸۲، ص ۱۴) - تغییر یافته و عبارت «و یا توسط رایانه ایجاد شده» افزوده گردیده است.

- در خصوص جمله اول این تعریف، ذیل بند ۴-۹ و در باره جمله دوم ذیل بند ۵-۵ مقاله حاضر بحث شده است.

۹-۸. علاوه بر موارد یاد شده، گاه تعریف‌هایی از سند در هنگام مصاحبه و نظایر آن، ارائه شده (برای نمونه: گفتگو با ...، ۱۳۷۶، ص ۲۲) که در اینجا از ذکر آنها خودداری می‌شود.

۱۰. سایر تعاریف تخصصی برای سند

۱۰-۱. تعریف سند در امور گمرکی: نویدی و آرام، Document را سند ترجمه کرده و در تعریف آن نوشته‌اند که: «منظور هر وسیله طراحی شده برای حمل و نگهداری اطلاعات ورودی است

که شامل نوارهای مغناطیسی، دیسک‌ها و میکروفیلم‌ها و غیره می‌شود». آرام اضافه کرده که «این واژه در ضمیمه «ی-۱» کنوانسیون کیوتو تعریف شده است» (نویسی، ۱۳۸۱، ص ۹۴) (آرام، ۱۳۷۸، ص ۲۳۲).

- اینگونه به نظر می‌رسد که اصطلاح سند در امور گمرکی با سایر رشته‌ها تا اندازه‌ای متفاوت باشد، زیرا در اینجا سند محمل اطلاعات دانسته شده و نه خود اطلاعات.

- این تعریف برای استفاده عام از واژه سند - در سایر رشته‌ها - مانع و جامع به نظر نمی‌رسد. ۱۰-۲. گذشته از موارد ذکر شده، تعاریف دیگری از سند از جمله «در اصطلاحات علوم راجع به فقه» (علامه حائری، ۱۳۵۱، صص ۲۲-۲۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۳۶۳) و «در اصطلاح ارباب مناظره» (از تعاریفات جرجانی، به نقل از لغتنامه دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۸، ص ۱۲۱۵۵) آمده که تعریف‌هایی مختص رشته‌های یاد شده است و سنخیتی با تعریف‌های ارائه شده در این مقاله ندارد و لذا از ذکر آنها خودداری می‌شود.

نتیجه و پیشنهادها

به نظر می‌رسد در زبان فارسی از سند به دلایل زیر، تعریف یکسان ارائه نشده است: از طرفی، دیرپایی این «وام‌واژه» در زبان فارسی طی قرون سبب شده «سند» با پدیده گسترش معنایی روبه‌رو گردد. بدین صورت که از یکسو، گسترش دیوان سالاری و از سوی دیگر، گسترش و تنوع رسانه‌های مورد استفاده در نظام اداری و همچنین در ارتباطات بین افراد جامعه، به‌ویژه در حدود یک قرن گذشته، گسترش حوزه معنایی و در پی آن توسعه گستره کاربرد این واژه را به دنبال داشته است. از سوی دیگر، طی قرن اخیر با ورود دانش و نظام‌های بایگانی و آرشیو نوین، واژه «سند»، معادل چند واژه تخصصی، به‌ویژه واژه‌های Record و Archive، Document به‌کار رفت، که این امر بر دامنه مشکل قبلی افزود.

پاسخ به پرسش‌های پژوهش

۱. آیا واژه «سند» در ادبیات اداری و علمی کشورمان در معانی متعدد، به‌کار رفته است؟ در پاسخ به این پرسش، با توجه به یافته‌ها و شواهد ارائه شده در مقاله، می‌توان گفت که آری واژه «سند» در ادبیات اداری و علمی کشورمان در معانی متعدد و گاه نزدیک به هم به‌کار رفته است.

در آثار فارسی زبانی که در جریان این پژوهش دیده شد، تعریفی مشترک و واحد از سند یافت نشد. سند در متون مورد بررسی - به‌ویژه در لغتنامه‌ها - به‌عنوان اسم عام به‌کار رفته است. تعاریف دیده شده را می‌توان در دو گروه اصلی جای داد. گروه نخست شامل: جای بلند در بیابان، کوه و نوعی از چادرها است که به نظر می‌رسد واژگان این گروه در زبان فارسی

محاوره‌های امروز کاربردی ندارد. گروه دوم، که در زبان امروز کاربرد دارد، شامل این معانی می‌باشد: نوشته‌ای که در معاملات بدان تکیه کنند؛ نوشته، رسید، وامنامه، نوشته‌ای که وام یا طلب کسی را معین کند، یا مطلبی را ثابت نماید؛ نوشته‌ای که قابل استناد باشد؛ چک، مدرک، مستند؛ مکتوبی که بدان اختیار شغل و ملکی را به کسی بدهند؛ مهر و امضای قاضی و حکم و فرمان پادشاهی؛ معتمد، آنکه از وی حدیث بردارند؛ نسبت کردن چیزی به چیزی، منسوب شدن به چیزی پشت به پشت، تمسک، دست‌آویز؛ حجت، دلیل. تعریف‌های اختصاصی نیز در این گروه قرار دارد.

۲. آیا می‌توان یکی از تعریف‌های ارائه شده از سند را به‌عنوان تعریف عام مورد استفاده قرار داد؟ با توجه به نوع کاربردهای مختلف تخصصی این واژه، به‌ویژه در متن قانون و مقررات، پاسخ به این سؤال منفی به نظر می‌رسد.

۳. آیا می‌توان واژه «سند» را در معنای تخصصی برای رشته‌های مختلف دانش به‌کار برد؟ پاسخ بدین سؤال نیز همانند مورد قبل منفی است. به نظر می‌رسد بهتر است:
- یا از تعریف‌های عملیاتی استفاده کرد.

- یا به دلیل تفاوت‌های معنایی پدید آمده، برای تحدید معنایی و تعیین دقیق‌تر و واضح‌تر معنی و مقصود گوینده یا نویسنده از به‌کار بردن این واژه، سند را در ترکیب مضاف و مضاف‌الیه به‌کار برد؛ مانند سند حقوقی، سند تاریخی، سند اداری، سند آرشیوی.

- گستره مفهوم سند از منظر آرشیو چیست؟ تعریف‌های ذکر شده در این خصوص ذیل بند ۹ آورده شد.

به نظر می‌رسد برای درک بهتر واژه سند بهتر است این مفهوم را در ارتباط با سایر واژه‌های مشابه یا مشترک به‌کاررفته در آرشیو و حوزه‌های مرتبط با آن، از جمله در مدیریت اسناد و کتابداری (واژگانی از قبیل Archive، Document، Record) و نظایر آن دید. نگارنده پیشنهاد بررسی رابطه منطقی این واژگان را پیش از این، در کارگروه اصطلاحات آرشیوی مطرح کرده است که پس از تأیید و تکمیل آن در کارگروه اصطلاحات آرشیوی، مفاهیم مرتبط با آن جلساتی در کارگروه مورد بحث قرار گرفت. تعریف پیشنهادی اولیه کارگروه برای این واژه‌ها با رویکرد آرشیوی عبارت است از:

- سابقه/پیشینه (Record): اطلاعات ثبت شده در رسانه‌ای معین - که فرد یا مؤسسه‌ای در جهت انجام وظایف اداری یا فعالیت‌های شخصی، تولید و یا دریافت کرده و به‌عنوان گواهی فعالیت‌ها برای مراجعه در آینده نگهداری می‌شود.

گاه در محیط رقمی، پایگاه داده‌ها به‌عنوان سابقه/پیشینه محسوب می‌گردد.

- مدرک (Document): اطلاعات ثبت شده در هر شکل و رسانه، و یا هر شیء حاوی

اطلاعات، که به عنوان یک واحد به شمار می رود؛ مانند کتاب، سند، شیء باستانی و مدرک جرم. در محیط رقمی گاه داده، مدرک شمرده می شود.

• سند: سابقه واجد ارزش نگهداری، سند محسوب می شود.

در برخی موارد به تساهل - سابقه، مدرک، و سند به جای یکدیگر به کار می رود. سند دولتی: سندی که در دستگاه دولت تولید شده، یا به دستگاه دولت رسیده باشد. سند آرشیوی: سابقه واجد ارزش نگهداری مستمر در آرشیو، سند آرشیوی است. درخصوص دو اصطلاح پایانی تعریف شده در کار گروه شاید بتوان گفت به طور کلی: سند دولتی: اطلاعات ثبت شده ای که طی فعالیت های دستگاه های دولتی و وابسته به دولت تولید، دریافت، و نگهداری شده و دارای ارزش های اداری است. این اسناد به یکی از صورت های گرافیکی، نوشتاری، دیداری، شنیداری، ترسیمی، الکترونیکی، چاپی، و از این دست می باشد. این تعریف موادی را که دستگاه های دولتی و وابسته به دولت، به منظور انتشار عمومی در تیراژ بالا و یا فروش تولید می کنند، دربر نمی گیرد.

سند آرشیوی: اسناد دولتی و یا غیردولتی که به آرشیو منتقل شده است و به دلیل ارزش های ثانویه (آرشیوی) موجود در آنها توسط کارکنان مسئول در آرشیو واجد نگهداری مستمر تشخیص داده شود.

کتابنامه

- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۵۹). *فرهنگ اصطلاحات دکومانتاسیون*. تهران: مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی آموزشی.
- آرام، غلامحسین (۱۳۷۸). *فرهنگ گمرک و تجارت (شامل واژه ها و اصطلاحات گمرکی، بازرگانی، بانکی، بیمه، حمل و نقل، گات، WTO و ...)*. تهران: نشر قبله.
- آریان پورکاشانی، منوچهر (۱۳۸۱). *فرهنگ پیشرو آریان پور: فارسی-انگلیسی* (جامع - چهار جلدی). (ج ۲). تهران: شرکت نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی، جهان رایانه.
- _____ (۱۳۸۵). *فرهنگ پیشرو آریان پور: انگلیسی-فارسی* (شش جلدی). (ج ۶). تهران: شرکت نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه.
- آقاصفری، مسلم (۱۳۸۸)، فروردین). سند از دید تاریخ. *کانون*، ۹۱، ۱۱۲-۱۲۸.
- اکرمی، صفیه؛ سوری، علی (۱۳۸۷، بهار). آرشیو ملی یا اسناد ملی. *گنجینه اسناد*، ۱۸ (۱)، ۷۷-۸۲.
- امیرشاهی، منوچهر (۱۳۸۴). *مبانی مدیریت اسناد* (تنظیم پرونده های اداری، فنی، آموزشی و پزشکی) باافزوده ها، تحقیق و تدوین جدید (ج ۱۱). تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن* (ج ۵). تهران: سخن.
- باقری، مهری (۱۳۷۱). *مقدمات زبان شناسی* (ویرایش ۲). تبریز: دانشگاه تبریز.
- بوشهری، جعفر (۱۳۵۲). *مدیریت اسناد و فن بایگانی* (ج ۶). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تیموری خانی، افسانه (۱۳۸۵). سند. در *دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی* (ج ۲). (فریبرز خسروی،

ابراهیم افشار، سودابه نودری، ویراستاران). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۰۷۴-۱۰۷۵.

ثواب، جهانبخش (۱۳۸۵). *روش تحقیق با تأکید بر تاریخ*. شیراز: نوید شیراز.

جُرّ، خلیل (۱۳۶۵). *فرهنگ عربی-فارسی (ترجمه کتاب المعجم العربی الحدیث)*. (ج ۲). (سید حمید طبیبیان، مترجم). تهران: امیرکبیر.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲). *ترمینولوژی حقوق (ج ۶)*. تهران: کتابخانه گنج دانش.

جهان‌پناه، سیمین دخت (۱۳۷۱). *فهرست تحلیلی کتاب‌ها و اسناد آموزشی یونسکو و مؤسسات بین‌المللی وابسته*. [تهران]: کمیسیون ملی یونسکو در ایران.

داعی الاسلام، سید محمدعلی (۱۳۶۳). *فرهنگ نظام (ج ۲)*. (ج ۳). تهران: شرکت دانش.

دالوند، حمیدرضا (۱۳۷۷). *گزارش اجرای طرح آزمایشی رده‌بندی اسناد فرهنگ مردم* (تکثیر محدود). تهران: مرکز فرهنگ مردم، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

دَن، آلفونس (۱۳۷۵). اسناد و شواهد کتبی و فیلولوژی (اقدس یغمایی، مترجم). (در شارل ساماران و همکاران، نویسندگان). *روش‌های پژوهش در تاریخ (ج ۲)*. (ج ۲). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه دهخدا (ج ۸)*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دهقانی، موسی رضا (۱۳۷۳). *مقدمه‌ای بر ارزشیابی اسناد* (تکثیر محدود). تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

دهقانی، رضا [۱۳۸۱]. علم مطالعه سند پیش درآمد تاریخ‌نگاری مستند-تحلیلی. *در مجموعه مقالات همایش اسناد و تاریخ معاصر*، آذر ۱۳۸۱ (ج ۱). [تهران]: مرکز بررسی اسناد تاریخی.

دیانی، محمد حسین (۱۳۷۷). *مقدمه‌ای بر آرشیو*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

زرین کلکی، بهناز (۱۳۸۹). تابستان. سازمان‌های دولتی و اسناد الکترونیکی. *گنجینه اسناد*، ۲۰ (۲)، ۱۰۰-۱۲۰.

سازمان اسناد ملی ایران (۱۳۴۹). *قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران*. مصوب ۱۳۴۹/۲/۱۷.

سازمان اسناد ملی ایران (۱۳۶۹). *آرشیو: اهداف، وظایف و تشکیلات*. تهران.

سازمان اسناد ملی ایران (۱۳۷۵). *دی*. نظام ملی اسنادی کشور (قسمت اول)، در: *بولتن کمیسیون اطلاع رسانی*، ش ۱۵. از:

www.irandoc.ac.ir/com/Newsletter/Articles/bullitin-15.htm.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵). *مقدمت ارزشیابی اسناد*. (تکثیر محدود). تهران.

سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین (۱۳۶۵). *اصطلاحنامه کتابداری (ویرایش ۲)*. تهران: کتابخانه ملی ایران.

سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین (۱۳۷۹). *دانشنامه کتابداری و اطلاع رسانی*. تهران: فرهنگ معاصر.

شلنبرگ، تی. آر. (۱۳۷۹). پائیز و زمستان. بررسی و ارزشیابی اسناد. (بخش اول). (منیره رضوی روحانی، مترجم). *گنجینه اسناد*، ۱۰ (۳ و ۴)، ۱۰۸-۱۱۵.

شورای پژوهش‌های علمی کشور (۱۳۷۵). شهریور، آشنائی با مراکز اطلاع رسانی داخلی (۹) سازمان اسناد ملی ایران (قسمت اول). *بولتن کمیسیون اطلاع رسانی*، (ش ۱۱). از:

www.irandoc.ac.ir/com/Newsletter/Articles/bullitin-11.htm.

شورای پژوهش‌های علمی کشور (۱۳۷۵). مهر. آشنائی با مراکز اطلاع رسانی داخلی (۹) سازمان اسناد ملی ایران (قسمت دوم). *بولتن کمیسیون اطلاع رسانی*، (ش ۱۲). از:

www.irandoc.ac.ir/com/Newsletter/Articles/bullitin-12.htm.



شورای جهانی آرشیو [۱۳۷۳]. اصول قانونگذاری برای آرشیوها و اسناد جاری، اتاوا سال ۱۹۹۶ (تکثیر محدود). (اعظم السادات حسینی، مترجم). تهران: سازمان اسناد ملی ایران، نشریه شماره ۴۴. صادقیان، نادعلی (۱۳۸۶، بهار). اسناد الکترونیکی، شگفت‌آورترین رسانه ارتباط جمعی در عصر حاضر. گنجینه اسناد، ۱۷ (۱)، ۷۱-۸۶.

علامه حائری، علی (۱۳۵۱). بایگانی اسناد و مدارک اداری در روش تلفیقی. تهران: بی نا. علن، سید ابراهیم (۱۳۸۹). بایگانی (مدیریت اسناد و مدارک- اصلاح روشهای بایگانی جاری). تهران: برابند پویش.

فتح آبادی، حسین (۱۳۸۳، بهار و تابستان). پژوهشی در جرم استفاده از سند مجعول. الهیات و حقوق، ۱۵ و ۱۶، ۱۸۷-۲۱۰.

فدایی عراقی، غلامرضا (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی (چ ۳). تهران: سمت. فرهیخته، شمس‌الدین (۱۳۷۷). فرهنگ فرهیخته؛ واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی-حقوقی. تهران: زرین. فوترگیل، ریچارد؛ بوچارت، یان (۱۳۸۲). مواد غیر کتابی در کتابخانه‌ها (کاظم خادمیان، مترجم). (چ ۲). مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.

فائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی. کاتبی، حسینقلی (۱۳۸۵). حقوق تجارت (چ ۹). تهران: کتابخانه گنج دانش. کمری، علی رضا (۱۳۸۸). اثر نشان؛ رویکرد نشانه‌شناسی به مفهوم سند جنگ / دفاع مقدس و گونه‌شناسی آن (متن سخنرانی در اولین نشست تخصصی اسناد)، (تکثیر محدود). برگزارکنندگان: مرکز ملی اسناد و کتابخانه دفاع مقدس با همکاری اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، آذر ۱۳۸۸. گفتگو با علی میر انصاری درباره «اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران» (۱۳۷۶، آذر)، کتاب ماه ادبیات، ۱ (۲)، ۲۲.

مؤمن، ابوالفتح (۱۳۸۵، آبان). ساماندهی اسناد در آرشیو. زمانه، ۵ (۵۰)، ۷۶-۸۲. از:

<http://www.zamaneh.info/articles/635.htm>.

ملائتی توانی، علیرضا (۱۳۸۷). درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ (چ ۲). تهران: نشر نی. مهاجری، ع.ع. (۱۳۷۲). فرهنگ علوم مطبوعات و ارتباطات (فارسی-انگلیسی). تهران: مژده. نویدی، علی (۱۳۸۱). فرهنگ جامع امور گمرکی (دایرة المعارف گمرک) (محمد رشید سلگی، بهروز قره بیگی، فرشید شاطریان، ویراستاران). تهران: مولف، با همکاری شرکت چاپ و نشر بازرگانی. نیازمند، یدالله (۱۳۵۳). سیستم‌های نوین بایگانی (چ ۳). تهران: انتشارات مدرسه عالی بازرگانی. هاشمی، ابوالفضل (۱۳۸۷). واژگان کتابداری و اطلاع‌رسانی: واژگان دانش‌ورزی و دانش‌رسانی... انگلیسی-فارسی، فارسی-انگلیسی (ویرایش ۳). (چ ۱). تهران: دبیزش، چاپار.

هیئت مؤلفان (۱۳۷۳). تاریخ (تاریخ شناسی)؛ دوره پیش دانشگاهی، رشته علوم انسانی. وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسی. تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.

وزارت نیرو، اداره کل حراست (۱۳۸۸). تعریف سند و مدرک. مقاله شماره ۱۳، از:

<http://herasat.moe.org.ir>



وزیر نیا، مهدی (۱۳۴۹). *مدیریت اسناد*. تهران: مؤسسه علوم ارتباطات اجتماعی.

وزیری، ناصر (۱۳۵۰). *بایگانی و امور دفتری*. بی‌جا: بی‌نا.

ویسمان، هرمن (۱۳۷۳). *سیستم‌ها، خدمات و مراکز اطلاع‌رسانی*. (جعفر مهرداد، مترجم). شیراز: نوید شیراز.

